

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت شناسی دینی منسوب به او

مصطفی حسینی گلکار*

(نویسنده مسئول)

محمد محمدرضائی**

چکیده

در باب ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی دو پرسش مغفول افتاده: اولاً آیا "ویتگنشتاین" صراحتاً از ایمان‌گرایی دفاع کرده‌است؟ و ثانیاً آیا ایمان‌گرایی از اندیشه‌های او قابل استنباط می‌باشد؟ در مقاله حاضر پس از پژوهشی در چیستی ایمان‌گرایی، نشان داده شده ادعای انتساب ایمان‌گروی به ویتگنشتاین اغلب بر مبنای تفسیری خاص از بخشی از آموزه‌های «پژوهش‌های فلسفی» او بوده‌است. دقت و تأمل در مجموع آراء ویتگنشتاین به‌ویژه در «فرهنگ و ارزش» و «درس گفتارها» نشان می‌دهد ادله و شواهد متعددی در نفی ایمان‌گرایی ویتگنشتاین وجود دارد که می‌تواند بدیل نظریه رایج باشد. همچنین بایستی متوجه بود استنتاج ایمان‌گرایی از تمایز میان بازی زبانی دین و غیر آن به نوعی خلط نظریه بازی‌های زبانی به‌عنوان نگره فهم و معنا با نظریه استنتاج و قضاوت است و نهایتاً آنکه پیگیری سیر اندیشه دینی نزد ویتگنشتاین به نوعی نظر متداول تقسیم ساحت‌های فکری او. به دو دوره را دچار چالش می‌نماید.

واژگان کلیدی: ویتگنشتاین، معرفت‌شناسی، باور دینی، ایمان‌گروی، بازی زبانی، صور حیات و ...

*. عضو هیئت علمی مؤسسه فرهنگی هنری قم، Mhq.golkar@gmail.com

** دانشیار فلسفه دانشگاه تهران پردیس قم؛ Mmrezai@ut.ac.ir

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۰۶؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۱/۱۱]

مقدمه

ویتگنشتاین پژوهی در میان اندیشمندان ما و بالاخص جامعه دانشگاهی جایگاه درخوری یافته‌است تا حدی که او را فیلسوف خودمانی [۱] نامیده‌اند. در این میان مهم‌ترین آفت، تکرار کلیشه‌های ساخته‌شده از گزینش اندیشه‌های فیلسوف است که به‌طور متداول در اثر عدم رویکرد انتقادی به ترجمه‌ها و عمدتاً قبول تام اولین آثار حوزه مربوطه رخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ویتگنشتاین که در جامعه ما نیز واجد ارزش فراوانی است مقوله معرفت دینی می‌باشد. در این حوزه نسبت‌دادن ایمان‌گرایی به فیلسوف مقبول همگان شده و هیچ نقادی در این باب صورت نمی‌گیرد.

ادعای مقاله حاضر آن است که:

اولاً: آنچه به‌عنوان ایمان‌گرایی به ویتگنشتاین نسبت داده‌شده نه براساس کلیت آموزه‌ها و آثار منتشرشده از او (ن. ک: کتاب نامه مقاله) بلکه متأثر از تفاسیر درجه دوم^۱ بوده‌است؛ و ثانیاً: ایمان‌گرایی از آراء ویتگنشتاین استنباط نمی‌شود.

به‌منظور اثبات این مدعا ابتدا شاخصه‌های عام و ضروری ایمان‌گروی بر مبنای آثار کلاسیک ارائه گشته (۱) سپس مؤلفه‌های ایمان‌گرایی منتسب به ویتگنشتاین همراه با اهم تقریرها و خاستگاه‌شان دسته‌بندی شده‌است (۲ و ۳).

آنگاه اولاً تعارضات و نقدهای وارد بر تقریرهای مذکور (۴) و ثانیاً شواهدی از آثار خود ویتگنشتاین در رد ایمان‌گروی طرح گردیده‌است (۵ و ۶) و نهایتاً جمع‌بندی اجمالی از نگره‌های دینی ویتگنشتاین ارائه شده‌است.

اگرچه در مقاله حاضر مسئله بازی‌های زبانی به تفصیل به دلایلی که خواهد آمد بررسی شده اما رویکرد مبنایی نگارندگان توجه به آموزه‌های ویتگنشتاین در کلیت آنهاست.

مجمع جهانی ویتگنشتاین (سمپوزیوم اتریش)^۲ (ALWS) که از سال ۱۹۷۵ میلادی به آوردگاه تفاسیر ویتگنشتاین تبدیل شده‌است، به‌ویژه در هفت دوره مختلف به‌طور خاص مقولات مرتبط با اندیشه دینی ویتگنشتاین را مورد بررسی قرار داده‌است.^۳ در مقاله حاضر نیز پذیرفته‌شده که توجه به نگره دینی ویتگنشتاین بدون ملاحظه مجموع این مؤلفه‌ها ابتر خواهد ماند، لذا بر همین اساس به نقد دیدگاه ایمان‌گروی منتسب به ویتگنشتاین در کلیت آن پرداخته شده‌است.

۱- مروری اجمالی بر چیستی ایمان‌گرایی

در ابتدا به‌منظور مشخص بودن مقصود از ایمان‌گروی به‌ویژه برای پرهیز از گرفتارشدن در اشتراک لفظی، ضروری است تا مؤلفه‌های اصلی آن مشخص شود. همچنین بایستی متذکر شد اگرچه بعضاً ذیل مبحث ایمان‌گروی به طرح مناسبات ایمان با اخلاق، ارزش تقدیر، جهان و ... پرداخته‌اند^۴، اما جوهره و مؤلفه متمایزکننده مقوله ایمان‌گرایی به‌ویژه در دوران معاصر مباحث معرفت‌شناختی است که البته به

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت‌شناسی دینی منسوب به او ۶۱
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

نحوی ریشه در سنجش نسبت میان عقل و دین دارد. اگرچه ایمان‌گروی نیز دارای تقسیماتی چون معتدل و افراطی^۵، متقدم و متأخر و ... است اما می‌توان ویژگی‌های برجسته مشترک میان تمام آنها را بدین قرار فهرست نمود:

۱-۱- ابتدای ایمان‌گروی بر نص دینی

اولین شاخصه ایمان‌گروی ابتدای آن بر متون دینی یا به تعبیری همان نص‌گرایی است. شاید به نوعی بتوان عهد عتیق را سیر از ایمان‌گرایی اسفار پنج‌گانه به حکمت‌گرایی امثال سلیمان نبی دانست؛ اما در عهد جدید، ابتدا با قول به ایمان ولو به اندازه دانه خردل در اناجیل و سپس به‌ویژه با آموزه‌های پولس^۶ بازگشتی به ایمان‌گرایی متوقع است.

۱-۲- ملازمه ایمان‌گروی با شکاکیت

چنانکه گفته‌اند «در منابع و متون دینی (کهن)، ایمان و شک غالباً همسان یکدیگر انگاشته می‌شوند. در کاربرد قرون وسطی، کلمه لاتین *Fides* (=ایمان) کلاً هر دو معنی را دربردارد. حتی در عهد جدید، فرق‌گذاری بین این دو کاملاً روشن نیست.» (الیاده، ۱۳۷۹، صص ۱۱۲-۱۱۳)؛ «ایمان‌گرایی برداشتی از الهیات مسیحی است که از پذیرش نیاز به (یا گاهی امکان) نقد یا ارزیابی به وسیله منابعی در بیرون از خود ایمان مسیحی سرباز می‌زند.» (مک‌گراث، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶ همچنین ن. ک: صص ۴۵۷-۴۶۲)؛ "پاپکین" نیز - در کلیات فلسفه - در باب ایمان‌گروی (طریقه ایمان) تلازم آن با شکاکیت را تأیید می‌نماید.^۷

۱-۳- تأکید بر تفکیک ایمان و علم و نفی موضوعیت سنجش عقلانی

از سوی دیگر ایمان‌گرایی (Fideism - Faith-ism) دیدگاهی است که نظام‌های اعتقادات دینی را موضوع ارزیابی و سنجش عقلانی نمی‌داند (پترسون، ۱۳۸۸، ص ۷۸). از این منظر ایمان‌گرایی مشتمل بر اصول ذیل است:

۱- مفروضات بنیادی دین در خود آموزه‌های آن است؛

۲- پذیرش ایمان دینی بی‌نیاز از هرگونه اثبات یا قرینه است.

تلقی دیگر آن است که وجه اشتراک همه آموزه‌های ایمان‌گرایی، نفی نیاز ایمان دینی برای توجیه به دلایل و قراین است (تالیافرو، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵ همچنین Penelhum, 1997, p.367)؛ لذا ادعا شده است که همه شاخه‌های فیدئیسم در این جهت که به تفکیک ایمان و علم قائل‌اند، مشترک‌اند (ملکیان، ۱۳۷۹ ج ۴، ص ۲۶۴) و به عبارتی فیدئیسم، به مجموعه دیدگاه‌هایی گفته می‌شود که درستی و حقایق باورهای دینی را براساس خود ایمان می‌پذیرند نه عقل و استدلال.^۸ (جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴) و از این‌رو ایمان‌گرایی در مقابل عقل‌گرایی به معنای کلامی‌اش قرار دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ص ۶۳).

لذا در شرح دیگری سه وجه برای ایمان‌گرایی برشمرده‌اند:

- ۱- استدلال‌های فلسفی با باورهای دینی بی‌ارتباط‌اند؛
 - ۲- به باورهای دینی متدینان آسیب می‌رساند؛
 - ۳- آن‌ها را از محوریت خارج کرده و شأنی ضعیف برایشان قائل می‌شوند.
- نهایتاً ایمان‌گرایی نظریه‌ای است که براساس آن باورهای دینی نیازمند توجیه معرفت‌شناختی نیستند. (مثلاً ن. ک: اکبری، ۱۳۸۴، ص ۱۴)

- اشاره به دیدگاه‌های متفرقه درباب ایمان‌گرایی

به‌عنوان تکمیل بحث بایستی متذکر شد تعبیر دیگری از ایمان‌گرایی نیز وجود دارد که اگرچه واجد نکاتی قابل تأمل می‌باشند اما موردقبول همگان نیستند^۹ لذا نمی‌توان به‌عنوان معیار برای ایمان‌گرا دانستن یک متفکر به آن‌ها استناد کرد. نهایتاً شاید تعبیر دقیق‌تر ایمان‌گرایی به بیان فلسفی آن باشد که نفس‌الامر دینی را باور مؤمن بدانیم.^{۱۰} اگرچه بنابر آنچه گذشت معنای ایمان‌گرایی، تا حدودی مبهم است اما براساس همین تعاریف سعی می‌شود تا امکان استخراج این دیدگاه‌ها از آموزه‌ها و اندیشه ویتگنشتاین بررسی گردد.^{۱۱}

۲- مروری بر آنچه به ویتگنشتاین نسبت داده شده است.^{۱۲}

به یک تعبیر به‌طور کلی، دو تلقی از ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی می‌توان سراغ گرفت:

- ۱- ایمان‌گرایی صراحتاً در آموزه‌های او وجود دارد. (ادعای استوارت "سادرلند"^{۱۳} و "شونامسفلد"^{۱۴})
 - ۲- ایمان‌گرایی از اندیشه او استنباط می‌گردد. (ادعای "دی. زد. فیلیپس"^{۱۵} و "کی. نیلسن"^{۱۶})
- از منظری دیگر، در مباحث سال‌های اخیر ذیل سه ساحت عمده، ایمان‌گرایی به ویتگنشتاین نسبت داده شده است:

- ۱- زبان دین، غیرشناختاری بودن آن و بررسی مسئله معنا؛^{۱۷}
 - ۲- براساس تحلیل ایمان‌شورمندانه و تجربه مسیحیت در «فرهنگ و ارزش» و «درس گفتارها»^{۱۸}
 - ۳- نتایج نظریه بازی‌های زبانی از «پژوهش‌های فلسفی» و «درباب یقین».
- تفکیک هر یک از این تقریرها و اهم گفتار مدعیان آنها به قرار ذیل است:

۲-۱- غیرشناختاری بودن زبان دین

در این ساحت، عمدتاً مسئله معنا و رازآلودگی که در «رساله منطقی-فلسفی» مطرح گردیده به‌عنوان بنیان ایمان‌گرایی تلقی شده است. برخی از مدعیات ذیل آن بدین قرار است:

- ماحصل نظر رساله درباب دین رازورانه دانستن آن است (مثلاً ن. ک: خاتمی، ص ۲۱۵ و هایمان، ص ۴۳ و علیزمانی، صص ۴۲۴-۴۲۸).

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت‌شناسی دینی منسوب به او ۶۳
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

• (رساله منطقی - فلسفی) از دید ویتگنشتاین مقاله‌ای درباره نظریه «ارتباط غیرمستقیم» کرکگارد است ... خلاصه مقصود ویتگنشتاین تا حد زیادی با مقصود کانت یکی بود: او هم می‌خواست با تثبیت حدود شناخت، جا برای دین و ایمان باز کند (کیویت، ۱۳۸۵، صص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ کیویت سپس این ادعا را به سراسر اندیشه‌های ویتگنشتاین نسبت می‌دهد! ن. ک: همان، ص ۲۶۹).^{۱۹}

۲-۲- ایمان شورمندانه (وصف مسیحیت)

گزین گویه‌های چندی از ویتگنشتاین در «فرهنگ و ارزش» و «درس گفتارها» نقل شده که به نوعی یادآور سخنان سنت آگوستن و کرکگارد است و برخی بر همین اساس مدعی ایمان‌گروی شده‌اند. تحلیل این نگاه در بخش ۶ خواهد آمد.

۲-۳- بازی زبانی دینی

این مورد با توجه به شیوع آن و گستره متفاوت تعبیر، نیازمند ارائه شواهد بیشتری است. در این ساحت، بازی زبانی دینی و به تبع آن صور حیات دینی به‌ویژه بر اساس تفسیری خاص از پژوهش‌های فلسفی و درباب یقین مستلزم ایمان‌گروی دانسته شده‌اند.^{۲۰} در این خصوص گفته‌اند:

• ویتگنشتاین متأخر در میان فیلسوفان تحلیل زبانی گرایش الهی دارد و به همین خاطر و به این جهت که بتواند این گرایش را با مبانی فلسفی و معرفت‌شناسی خود آشتی دهد، به مکتبی به نام «فیدئیسیم» دامن زد (ملکیان، ۱۳۷۹ (ج ۴)، ص ۲۶۳):

• کی نیلسن اصطلاح «ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی» را نخستین بار برای اشاره به نظریه ویتگنشتاین درباره ناممکن بودن نقد باورهای دینی بر اساس اصول فلسفی یا دستاوردهای علمی به کار گرفت اگرچه خود نیلسن این نظریه را نمی‌پذیرد (جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹):

• کاپلستون، ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی را - البته با تصریح بر این نکته که این آموزه تنها برداشت برخی از پیروان او است - چنین بیان می‌نماید: «برخی از پیروان ویتگنشتاین، در استقلال ذاتی هر یک از بازی‌های زبانی اصرار ورزیده‌اند و اظهار می‌کنند ... نظرگاه بی‌طرفی برای اثبات وجود خدا نمی‌ماند که مورد بحث قرار گیرد. این مطلب را در یک بیان غایت‌انگارانه می‌توان چنین گفت: خدا تنها از راه ایمان شناخته می‌شود.» (کاپلستون، ۱۳۸۴، ص ۵۸)^{۲۱}؛

• گفتار علمی، گفتار سیاسی، گفتار هنری، گفتار دینی و ... شیوه‌های مختلف بکارگیری زبان هستند که در هر کدام از آنها زبان ابزاری است برای مقصودی خاص؛ هیچ ویژگی مشترکی همه این گفتارها را به هم نمی‌پیوندد ... (مالک حسینی: مقدمه بر ویتگنشتاین، ۱۳۸۳، ص ۱۴):

• بازی زبانی دین، فارغ از پرداختن به صدق و کذب است (مثلاً ن. ک: خاتمی، ص ۲۱۶)؛

• ویتگنشتاین معتقد است چون به مرحله ایمان نرسیده، قادر به درک سخنان شخص واجد ایمان نیست تا با او به مخالفت یا موافقت بپردازد (علیزمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷۷)؛

- مسئله یقین برای ویتگنشتاین از این رو اهمیت داشت که او تفاوت میان یقین داشتن و دانستن را چندان مهم و قابل توجه نمی‌دانست (!) (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰)
- ویتگنشتاین معتقد بود به هیچ‌وجه نمی‌توان دین را مورد بررسی فلسفی قرار داد و با هرگونه الهیات طبیعی شدیداً مخالف بود!! (لگنهاوزن، صص ۱۵۶-۱۵۷) سال ۱۳۷۹
- ویتگنشتاین ایمان آوردن را یک فرآیند می‌داند که بدست آوردن آن به تلاش انسان بستگی دارد ولی وقتی حاصل آمد از اختیار انسان خارج می‌شود ... معمولاً به دیدگاه او «دیدگاه تصویری از ایمان»^{۲۲} گفته می‌شود (ملکیان، ۱۳۷۹ (ج ۴)، ص ۲۶۵):
- نظریه تفسیری ویتگنشتاین بر این مطلب (نتایج وحی به‌مثابه تجربه - غیرزبانی - انکشاف خویشتن الهی) صحنه می‌گذارد (فعال، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱ همچنین صص ۲۰۳ و ۴۹۴):
- ایمان‌گروی، ساحت نظری اندیشه دینی ویتگنشتاین است (زندیه، ۱۳۸۶، ص ۴۳۷): او هیچ شأنی برای عقل در دین و باور دینی در نظر نمی‌گیرد! (همان، ص ۴۴۵) از نظر او دین و علم تقابل ذاتی دارند و مانع‌الجمع‌اند!! (همان: ص ۴۴۸)
- به‌طور خلاصه می‌توان گفت ویتگنشتاین از دو نظریه اساسی دفاع می‌کند: نخست نظریه‌ای درباره معنای گفتار دینی و دوم نظریه‌ای درباره معرفت‌شناسی باورهای دینی. نظریه نخست آن است که ابزار باور دینی در الفاظ، پیش‌بینی یا فرضیه نیست بلکه چیزی شبیه تعهد شورمندانه به نظام ارجاع^{۲۳} است. و نظریه دوم آن است که باورهای دینی به یک اندازه مصون از ابطال و اثبات است. ویتگنشتاین می‌گوید منتقدان و مدافعانی که باورهای دینی را با فرضیه‌ها خلط می‌کنند و شواهدی را به سود و زیان آنها گرد می‌آورند، ایمان دینی و خرافات را از هم باز نشناخته‌اند (هایمان، ص ۴۸ و عباسی: صص ۱۰۰-۱۰۱). سال ۱۳۷۸

- جمع‌بندی از تقریرها و منبع استنباطها

- نهایتاً براساس ارجاعات، اهم آنچه از اندیشه‌های ویتگنشتاین در دفاع از ایمان‌گروی استخراج نموده‌اند بدین قرار است^{۲۴}:
- ۱- تمایز تصور و نام خدا نزد مؤمن و ملحد (ن. ک: ملکیان، ۱۳۷۴، صص ۱۱۲-۱۱۴)
 - ۲- تمایز ایمان دینی و دانش تاریخی (Wittgenstein, 1994, p.460)
 - ۳- توصیف شورمندانه تجربه مسیحیت (به‌ویژه در گزیده‌های فرهنگ و ارزش)
 - ۴- دلایل و توجیهات پایان و سرانجامی دارند و در اندیشه دینی نیز پایانی برای توضیح وجود دارد!^{۲۵}
 - ۵- نقل قول مشهور ام. دروری^{۲۶} از ویتگنشتاین: «من نمی‌توانم مسائل را از نظرگاه دینی نگاه نکنم»^{۲۷}
 - ۶- «هر آنچه که لازم است پذیرفته شود، چیزی است که فرد می‌تواند به آن، شکلی از حیات بگوید.» (PI, p.226)^{۲۸}

- ۷- دانستن باورهایمان^{۲۹} امکان‌پذیر نیست (مثلاً د.ی. گزاره ۲۴۳) همچنین «یقین شخصی است اما دانستن نه ... من حاضر نیستم چیزی به منزله رد (گزاره یقینی‌ام) تلقی شود.» (د.ی. گزاره ۲۴۵)
- ۸- «یک بازی زبانی فقط زمانی ممکن خواهد بود که کسی به چیزی اعتماد کند (باور بیاورد)» (د.ی. ۵۰۹) همچنین «سؤال‌هایی که مطرح می‌کنیم و شک‌های ما بر این واقعیت متکی‌اند که برخی گزاره‌ها مصون از شک‌اند گویی چونان لولاهایی هستند که سؤال‌ها و شک‌های ما بر آنها می‌چرخند.» (د.ی. ۳۴۱)
- ۹- «اگر چیزی رخ داد که انتظار می‌رود مرا (به باوری) مشکوک سازد، یقیناً چیزی هم وجود دارد که باعث شود خود دلایل این شک هم به نظر مشکوک برسد و در نتیجه من می‌توانم مصمم به حفظ عقیده سابق خود باشم.» (د.ی. ۵۱۶)^{۳۰}
- ۱۰- «باید یادت باشد که بازی زبانی به تعبیری، چیزی پیش‌بینی‌ناپذیر است. منظورم این است: بازی زبانی مبتنی بر دلیل نیست.^{۳۱} معقول (یا نامعقول) نیست. فقط هست - مثل زندگی ما.» (د.ی. ۵۵۹)
- ۱۱- «... می‌توان نمونه‌هایی ارائه داد که انسان‌ها فلان چیز را یقینی می‌دانسته‌اند که بعداً غلط‌بودنش ثابت شده‌است. ولی این استدلال بی‌ارزش است - همچنین ممکن است بعداً همین دوباره نقض شود. گفتن اینکه در نهایت فقط می‌توانیم به ادله‌ای استناد کنیم که ما آنها را دلیل تلقی می‌کنیم، هیچ نگفتن است. به عقیده من، در اساس این نگرش درک نادرستی از ماهیت بازی‌های زبانی ما قرار دارد.» (د.ی. گزاره ۵۹۹)
- ۱۲- «جایی که دو اصل واقعا به هم برمی‌خورند که نمی‌توانند با یکدیگر سازگار باشند؛ در این صورت هرکس دیگری را ابله و مرتد می‌شمارد.» (د.ی. ۶۱۱)

۳- چگونگی استنباط ایمان‌گرایی از بازی‌های زبانی

- کی نیلسن آغازگر بحث ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی، هشت گام را در دستیابی از بازی‌های زبانی به ایمان‌گروی برمی‌شمرد:
- ۱- بازی‌های زبانی، صور حیات (سبک زندگی - صورت زندگی - Form of Lebensform (Ge) - Life (en)) اند؛
 - ۲- صور حیات، امر واقع‌اند؛
 - ۳- زبان متعارف، آنگونه که هست، درست است؛
 - ۴- وظیفه فلسفه نه نقد زبان و صور حیات بلکه توصیف است؛
 - ۵- صور حیات متناظر با بازی‌های زبانی، منطق خاص خود را دارند؛
 - ۶- مجموع صور حیات نقد نمی‌شوند بلکه هریک معیارهای وضوح^{۳۲}، واقعیت^{۳۳} و عقلانیت^{۳۴} خود را دارند؛
 - ۷- مفاهیم کلی وضوح، واقعیت و عقلانیت مبهم بوده و تنها در صور حیات مشخص می‌شوند و

- ۸- هیچ وجه مشترکی برای نقد همه صور حیات وجود ندارد.
 Nielson, 1967, p.p. 192-193 همچنین گزارشی در زندیه، ۱۳۸۶، صص ۲۹۳-۲۹۴ و اکبری، ۱۳۸۴، صص ۱۵۵-۱۵۶)
 (همچنین گزارشی ناقص تر از آراء مشابه دی. فیلیپس در: جوادی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۹-۱۳۰)
 اما در تحلیل رویکرد فوق و به عنوان نتیجه گیری بایستی اذعان داشت:
 ۱- همانگونه که نیلسن اذعان داشته (*ibid*) برای اخذ ایمان گروهی هیچ شاهی در آثار خود ویتگنشتاین وجود ندارد؛
 ۲- استنتاج و اثبات طرح شده به هیچ عنوان منطقی و کامل نمی باشد؛
 ۳- خود بازی های زبانی دارای ملاک های معقولیت اند^{۳۵} و این مخالف با نسبت ایمان گرایی است (به ویژه براساس گزاره های ۶ و ۵ در روند مذکور)؛
 ۴- همچنین تفاسیری کاملا متفاوت از ویژگی های فوق الذکر بازی های زبانی نیز امکان پذیر است.^{۳۶}

۴- اهم نقدهای وارد بر تقریرات ایمان گروهی ویتگنشتاینی

- در باب نقد ایمان گرایی ویتگنشتاینی دو مرحله متصور است:
 اول - نقد مستقل تقریرات قائلین و مدافعین این انتساب براساس تحلیل گفتارشان (که ذیل این بخش خواهد آمد) و
 دوم - نشان دادن مواضع رد ایمان گروهی در آموزه های ویتگنشتاین (بخش بعد).

۴-۱- تناقض در مجموع مدعیات ایمان گروهی ویتگنشتاینی

- بعضا در گفتار این گروه تناقضاتی^{۳۷} دیده می شود از جمله:
 ۱- برخی او را ایمان گرای معتدل انگاشته اند و دیگرانی افراطی!^{۳۸}
 ۲- بعضا بین انتساب نگاه برون دینی به او و ایمان گرایی جمع نموده اند.^{۳۹}
 ۳- در خاستگاه آراء او اتفاق نظر وجود نداشته و متأثر از "کانت"، "شوپنهاور"، "کرکگارد" و بسیاری دیگر انگاشته شده است.^{۴۰}

۴-۲- ارجاعات غیر قابل قبول

اغلب - و حتی تقریبا همه - ارجاعات اندیشمندان و نویسندگان دانشگاهی ما که قائل به ایمان گرایی نزد ویتگنشتاین شده اند به تفاسیر درجه دوم از آموزه های او بوده است. و این مورد به ویژه از آن رو که از همه آثار مطرح او یا متن های زبان اصلی یا ترجمه های قابل اعتناء در دسترس می باشد (ن. ک: کتاب نامه مقاله) غیر قابل قبول است.

۴-۳- عدم کفایت منطقی

استنباطها و استدلال‌ها - به‌عنوان نمونه‌ آنگونه که درباب تقریر نیلسن ارائه شد - نه‌تنها اعتبار برهانی نداشتند بلکه بعضا دچار تناقض می‌باشند.

۴-۴- جزئی‌نگری

در استنباط ایمان‌گروی به‌هیچ‌عنوان به مجموع آموزه‌های ویتگنشتاین توجه نشده و بسیاری از آنها مغفول افتاده؛ به بیان صریح‌تر اندیشه‌های او مثله شده‌است.

۴-۵- مخالفت مکتب

نهایتا شاگردان او^{۴۱} مخالف چنین تفاسیری از استاد شده و آن را گونه‌ای ساده‌انگاری دانسته‌اند. "جان پاسمور" در این باب می‌نویسد: «شاگردان ویتگنشتاین عموما روش استادشان را در سال‌های سکوتش پی‌گرفتند؛ کاملا روشن است که ویتگنشتاین خوش‌داشت نظریاتش به نحو دست‌دوم گزارش‌شوند» (پاسمور، ۱۳۸۲، ص ۹۵) وی می‌افزاید: «همه شاگردان قبلی ویتگنشتاین به فلسفه‌های «زبان عرفی» که اخیرا بر فضای فلسفی آکسفورد حاکم شده‌است، روی خوش نشان نمی‌دهند، به‌رغم آنکه این فلسفه‌ها علائم روشن تأثیر ویتگنشتاین را بروز می‌دهند - این شاگردان این فلسفه‌ها را کم‌ظرافت و بیش از حد صریح می‌یابند.» (همان، ص ۱۰۰)

۴-۶- مخالفت دیگران

همچنین لازم به ذکر است در خارج این نحله نیز کسانی مخالف تفسیر ایمان‌گرایی از ویتگنشتاین هستند؛ نمونه قابل‌ذکر - از آن‌رو که آراء و آثارش در جامعه ما شایع است، جان هیک می‌باشد. ایشان می‌انگارد: «من شخصا متقاعد نشده‌ام که ویتگنشتاین اگر امروز خودش زنده بود بر این تحول نو ویتگنشتاینی جدید صحنه می‌گذاشت. من این احساس را دارم که وی بیش از آن برای زندگی و سخن گفتن معمولی مردم احترام قائل بود که تئوری‌ای را بپذیرد که در آن نیات عادی اکثر استفاده‌کنندگان از زبان دینی به‌نحوی چنین آشکار مورد معارضه و انکار قرار گیرد ... بنابراین فقط این را می‌گوییم که از دید من فلسفه نوین دینی ویتگنشتاینی ... احتمالا مبتنی بر تفسیری نادرست از سخنان ویتگنشتاین راجع به دین است.» (هیک، ۱۳۸۶، صص ۴۲-۴۳)

۵- مواضع ویتگنشتاین ذیل بازی‌های زبانی (در مقابل ایمان‌گرایی)

آنگونه که گذشت، ضروری می‌نماید تا برای ختم بحث و رد تلقی ایمان‌گرایانه از ویتگنشتاین شواهدی از آموزه‌های خود او ارائه گردد. لذا در بخش حاضر گزاره‌های عمده مورد توجه ویتگنشتاین درخصوص

بازی‌های زبانی که البته ضمناً یا صراحتاً و در مجموع مخالف ایمان‌گرایی است ذیل عناوین مرتبط گردآوری شده‌است.
همچنین به لحاظ حفظ ترتیب سعی شده تا براساس شمارگان گزاره‌ها در کتاب «در باب یقین»، بحث پیش رود.

۱-۵- ویتگنشتاین قائل به وجود عقلانیت و منطق درونی برای بازی‌های زبانی است:

• قواعد - (Regel - Rule) به تعبیری همان منطق در هر بازی زبانی‌اند^{۴۲} که البته ویتگنشتاین امکان شک و خطا را در این اساس روا می‌داند (ن. ک: در باب یقین (د.ی). گزاره ۲۶؛ همچنین ۲۰۳)؛

۲-۵- بازی‌های زبانی در نسبت با واقعیت رتبه بندی می‌شوند و صدق و کذب پذیرند

• در گزاره د.ی. ۶۳ - این نکته مهم مطرح می‌شود که بازی‌های زبانی در نسبت‌شان با واقعیت واجد برتری و انتخاب می‌شوند.
• ویتگنشتاین همچنین مسئله صدق را در بازی‌های زبانی طرح می‌نماید:
د.ی. ۸۰ - صدق گفته‌های من، آزمون فهم من از این گفته‌هاست.
د.ی. ۸۱ - یعنی: اگر گفته‌های غلطی بیان کنم، بی‌اطمینانی‌ای پیش می‌آید که آیا آنها را می‌فهمم یا نه؟

۳-۵- بازی‌های زبانی با یکدیگر تعامل و همپوشانی دارند

• گزاره‌های د.ی. ۹۷ و ۹۹ و ۱۴۴ و ۱۵۲ - درخصوص درک تغییر در باورها بسیار مهم و به نوعی نقد هرگونه باور جزمی می‌باشند. ویتگنشتاین اصولاً تغییر را ممکن می‌داند، اما در بستری که نسبت به دیگران سنجیده می‌شود، به‌ویژه ذیل ۱۴۴ - «...آنچه ثابت می‌ماند به این علت که ذاتاً بدیهی یا محرز است ثابت نمی‌ماند، بلکه آنچه در اطرافش قرار دارد آن را ثابت نگه می‌دارد.»
(همچنین ن. ک: ویتگنشتاین، ۱۳۸۵ (کتاب آبی)، ص ۷۳ و فرهنگ و ارزش ذیل سال ۱۹۴۸، ترجمه مهرگان، ص ۱۴۴)

۵-۴- بازی‌های زبانی دارای افق‌های باز می‌باشند

- مسئله افق‌های باز بازی زبانی در گزاره ۲۵۶- «...بازی زبانی با زمان تغییر می‌کند»؛ طرح می‌گردد و آنگونه که در ادامه به تفصیل خواهد آمد این تلقی یکی از اهم مواضع ویتگنشتاین در تعارض با ایمان‌گروی است^{۴۳}

۵-۵- باور اختیاری نیست و امکان چالش در باورها وجود دارد

- ویتگنشتاین به نوعی باور را غیراختیاری می‌داند (مثلاً د.ی. گزاره ۱۷۳) که البته این نیز مخالف ایمان‌گروی است.
- به علاوه ویتگنشتاین - اگرچه دانستن را وابسته به تصمیم می‌انگارد (د.ی. ۳۶۲) - بنیان‌های باوری صور حیات را انتخابی و وابسته تصمیم نمی‌داند (مثلاً د.ی. ۲۷۱ و ۳۱۷؛ همچنین PI, 634 و Z, 45 و مالکوم، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱ و ۱۱۵) و این نیز با جوهره اساسی ایمان‌گرایی مبتنی بر انتخاب و تسلیم متعارض است.

۵-۶- باورها وابستگی عمیقی به دانسته‌ها دارند

- همچنین در رد نسبت ایمان‌گروی به ویتگنشتاین، توجه به گزاره د.ی. ۲۸۶ - بسیار حیاتی است: «آنچه ما باور داریم، وابسته به چیزی است که می‌آموزیم ... می‌گوئیم: این مردم چه بسا چیزها را که ما می‌دانیم، نمی‌دانند و هر قدر هم که به باورهای خود یقین داشته باشند - آنها برخطا هستند و ما این را می‌دانیم. اگر نظام معرفتی خود را با آنها مقایسه کنیم معلوم می‌شود نظام معرفتی آنها به مراتب فقیرتر است.»
- «و مفهوم دانستن با مفهوم بازی زبانی گره‌خورده است (و بالعکس).» (د.ی. ۵۶۰)

۵-۷- بازی‌های زبانی برای باور داشتن ناکافی اند

- ویتگنشتاین به صراحت بازی زبانی را برای باور ناکافی می‌شمرد: د.ی. گزاره ۳۰۷- «و در اینجا عجیب این است که وقتی به چگونگی کاربرد واژه‌ها کاملاً هم یقین دارم و هیچ شکی درباره آن ندارم، باز هم نمی‌توانم برای شیوه عمل خود دلیل اقامه کنم...»

۵-۸- یقین ذاتی بازی زبانی نیست

- ویتگنشتاین همچنین در پاسخ به این پرسش اساسی که: «آیا یقین ذاتی بازی زبانی است؟» (د.ی. ۴۵۷) تلویحاً پاسخ منفی می‌دهد و درصدد تحلیل این پرسش برمی‌آید که: «چگونه شک به بازی زبانی راه می‌یابد؟» (د.ی. ۴۵۸)

۹-۵- بازی زبانی با استقراء گره خورده است

- از سوی دیگر ویتگنشتاین واقعیت تجربی استقراء را گره خورده با بنیان‌های بازی زبانی می‌داند (د.ی. ۵۵۸ همچنین ۶۱۸ و ۶۴۶).

۱۰-۵- امکان ترک بازی زبانی وجود دارد

- از دیگر گفته‌های صریح ویتگنشتاین که امکان برداشت ایمان‌گرایانه از بازی‌های زبانی را منتفی می‌نماید گزاره ۶۱۷ د.ی. است: «برخی وقایع مرا در موقعیتی قرار می‌دهند که در آن دیگر نمی‌توانم بازی سابق را ادامه دهم. موقعیتی که در آن از اطمینان بازی می‌گسلم. درواقع، آیا بدیهی نیست که امکان یک بازی زبانی مشروط به برخی واقعیت‌هاست؟»

-جمع‌بندی و نکات کلیدی از آموزه‌های درباب یقین در رد ایمان‌گرایی

- در د.ی. گزاره‌های ۲۳۸ تا ۲۴۳ - چالش عمده تعارض میان باورها - به‌عنوان مثال باورهای دینی - و تدارک تأییدات برای آن‌ها مطرح شده‌است که نتیجه مهم آن تمایز میان باورداشتن و دانستن درخصوص مبانی است.
- همچنین توجه به گزاره د.ی. ۲۴۸ - بسیار مهم است: «من به اساس اعتقاداتم رسیده‌ام و درباره این شالوده‌ها تقریباً می‌توان گفت که آنها را کل بنا حفظ می‌کند.» لذا نتیجه قابل تأمل آن است که اهمیت باورهای پایه نزد ویتگنشتاین در نمای بیرونی است که پوشش می‌دهند.^{۴۴}
- به تعبیری در باب باور پایه از نگاه ویتگنشتاین دو شرط ضروری و یک نکته وجود دارد: اولاً: نتوان با ارائه ادله‌ای آن را به باورهایی که وضوح بیشتری دارند فروکاست و ثانیاً: نتوان شواهد یا ادله‌ای در رد یا انکار آنها ارائه داد. و نکته: افق امکان شک در باورهای پایه مفتوح است. اکنون چنانچه مشخص است این گزاره نهایی صراحتاً با ایمان‌گرایی مغایر است. (در ایمان‌گرایی، باور غیرقابل شک و انکار است.)
- همچنین درخصوص گزاره‌هایی که به نوعی تأکید بر باورهای پایه داشتند، ویتگنشتاین صراحتاً مقصود خود را اعلام داشته‌است، د.ی. ۳۴۲: «یعنی، لازمه منطق پژوهش‌های علمی ماست که برخی امور در عمل مورد شک قرار نگیرند.» (تأکید از ماست)؛ به تعبیری «...اگر می‌خواهیم در بچرخد، لولاها باید ثابت بمانند.» (د.ی. ۳۴۳) و یا «در حقیقت، می‌خواهم بگویم یک بازی زبانی فقط وقتی ممکن است که به چیزی اعتماد کنیم.» (د.ی. ۵۰۹) همچنین «...شک فقط بر چیزی ورای شک مبتنی است ... علی‌القاعده می‌بایست احکامی تجربی ورای شک باشند.» (د.ی. ۵۱۹؛ همچنین ن. ک: د.ی. ۶۲۵)

• نهایتاً بایستی متوجه بود اگرچه فلسفیدن‌های ویتگنشتاین در باب باورهای پایه در اوج خود به این نتیجه می‌رسد که: «رفتارهای شکاکانه و غیرشکاکانه. اولی فقط وقتی وجود دارد که دومی وجود داشته‌باشد.» (د.ی. ۳۵۴)؛ همچنین می‌افزاید: «با وجود این، سؤال این است: «اگر در بنیادی‌ترین چیزها نیز مجبور شدی نظرت را تغییر دهی، چطور؟» و به نظرم می‌آید که پاسخ‌اش این باشد: «مجبور نیستی آن را تغییر دهی، «بنیادی» بودن آنها درست در همین است.» (د.ی. ۵۱۲) ضمن آنکه باید این گفته را در بستری از نسبی‌گرایی و دور هرمنوتیکی لحاظ نمود؛ نمی‌توان منکر گذار استعلائی شک به آن سوی باورهای پایه شد.

۶- استنباط ایمان‌گرایی از «فرهنگ و ارزش» و «درس گفتارها» و نقد آن

ادعای اخذ ایمان‌گروی از گفتارهای «فرهنگ و ارزش» (VB – گزیده آلمانی و ترجمه فون رایبت) حتی کمتر از مبحث بازی‌های زبانی ضابطه‌مند و مستدل است و بیشتر براساس نقل‌گزین‌گویی‌ها و مقایسه آنها با گفتارهای مشابه ظاهری از پاسکال، شلاپرماخر، کرکگارد، اتو، ویلیام جیمز و دیگران بوده‌است.

(مثلاً ن. ک: اکبری، ۱۳۸۴، صص ۱۴۵-۱۵۵ و لگنهاوزن، ص ۱۵۷ و اکوان، ص ۱۰۰)
بسیاری «فرهنگ و ارزش» را اساساً دیدگاه‌های کرکگاردی دانسته‌اند. (مثلاً کیوپیت، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲)

۶-۱- نگاه اجمالی و تفسیر یک گزاره

مهم‌ترین نقل قول اثر که بیشترین استناد ایمان‌گرایانه به آن شده بدین قرار است:
«اگر واقعاً می‌خواهم نجات یابم پس به یقین نیاز دارم نه عقل و رؤیا و دانش و این یقین همان ایمان است، چیزی که قلب و روحم به آن نیاز دارد نه عقل نظری/م.» (VB, p.33 همچنین مالکوم، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

اما آیا این ایمان‌گرایی است؟

به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش به دلایل ذیل منفی باشد:

- ۱- فرهنگ و ارزش اساساً اثری گزینشی و گزین‌گویی است؛
- ۲- این گفتار باید در فضای کلی فرهنگ و ارزش و حتی تمام آثار و اندیشه‌های ویتگنشتاین فهم شود؛

۳- این گفتار مبتنی بر استدلالی نیست؛

۴- بستر ارائه این گفتار تعریف ایمان به مثابه یقین است؛

۵- ویتگنشتاین این یقین را تحلیلی می‌داند - اگر چه فقط در ساحت حکمت عملی ...

۶- ایمان و باور دینی نزد او اساساً مشتمل بر اصلاح شیوه‌های زندگی فرد است (مثلاً ن. ک: تحلیل مالکوم، ۱۳۸۳: ص ۳۸؛ همچنین ویتگنشتاین، ۱۳۷۴: ص ۳۴۵)؛

۷- و چنانچه مشخص است؛ مجموع این‌ها مخالف ایمان‌گرایی است.

در این میان ذکر دو نمونه قابل تأمل است:

اول - افق باز، تعامل میان بازی‌ها و تعقل در باب انتخاب نیز در فرهنگ و ارزش مطرح می‌شود: «...چراکه مهارت در انجام‌دادن بازی دیگر کفایت نمی‌کند. پرسشی که پیاپی مطرح می‌شود این است: آیا اکنون می‌توان به این بازی مبادرت کرد؛ و بازی مناسب کدام است؟» (ویتگنشتاین، ۱۳۷۴، ص ۳۴۵)

دوم - ویتگنشتاین ضمن واکاوی مسئله هنر، شهود، شوق و شورمندی، نتیجه می‌گیرد: «با این همه، همچنان به نظر می‌آید که به غیر از آثار هنرمندان، راه دیگری برای نمایاندن الوهیت گیتی وجود دارد؛ به اعتقاد من، اندیشه می‌تواند چنین کند.» (همان، ص ۳۴۸)

نهایتاً به نظر می‌رسد منطقی‌ترین نتیجه‌ای که از این رویکردهای ویتگنشتاین می‌توان برداشت نمود، آن است که نورمن مالکم - شاگرد و به تعبیری دوست صمیمی او - ارائه نموده‌است: «گمان می‌کنم در او به یک معنا امکان دین وجود داشت ... با آن همدلی داشت و سخت مجذوب‌اش بود.» (ن.ک: خاطرات و دانالد هادسون، ۱۳۷۸، ص ۲۲)

۶-۲- نگاه تفصیلی و گفتارهای علیه ایمان‌گرایی در فرهنگ و ارزش

در این بخش لازم است مشروخی از آموزه‌های ویتگنشتاین در فرهنگ و ارزش که در نقد مؤلفه‌های ایمان‌گرایی می‌باشد ارائه گردد^{۴۵}:

- او در پاره‌هایی از سال ۱۹۳۰ در رد نص‌گرایی می‌آورد: «از هر آنچه وابسته شریعت است بایستی اجتناب کنیم چراکه محکوم به فناست. اما یک بوسه - که آن هم البته آئینی است - هرگز رنگ نمی‌بازد. از این روست که تنها آن میزان از شریعت ضروری است که همچون بوسه‌ای حقیقی باشد.» (C.V.461)^{۴۶}

او همچنین مسیحیت را توصیف رویدادهای واقعی در زندگی انسان می‌داند.^{۴۷}

- رویکرد ویتگنشتاین در درس گفتارها که در گزین‌گویی‌های فرهنگ و ارزش هم تبلور یافته بیشتر توصیف ایمان مسیحی است برای فهم آن و نه اختیار موضعی مشابه.^{۴۸}

- او صراحتاً آموزه‌های پولس رسول (و به تعبیری ایمان‌گرایی مسیحی) را نقد می‌کند (C.V. 492)^{۴۹}

- او ذیل پاره‌ای مهم از سال ۱۹۳۱ که شرحی از برداشت‌هایش از آموزه معنای "تولستوی" است می‌آورد: «...دشواری در فهمیدن نه به دلیل پیچیدگی آموزه بلکه به خاطر خواست و تصمیمی است که به‌گونه‌ای جزمی جهت‌دهی شده‌است.»^{۵۰}

- به سال ۱۹۳۷ می‌اندیشد: «اشراق حکمت عملی ... باید از طریق نور عقل روشن شود.»^{۵۱} و می‌افزاید: «...کسی که در زندگی هیچ مسئله‌ای را نمی‌بیند، در برابر امری مهم کور است.»^{۵۲}

۷۳ آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت‌شناسی دینی منسوب به او
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

• او در سال ۱۹۳۷ استدلال انفسی کرکگارد علیه نگره آفاقی را ناقص و ناکافی می‌داند (C.V. 493-494).^{۵۳} همچنین در ۱۹۴۰ آموزگار شگفتی‌ها (کسی مانند کرکگارد) را خوب نمی‌داند^{۵۴} و البته رسیدن به مرحله ایمان شورمندانه را ابتدا شده از تعلیم و تربیت و تجربه می‌شمرد.^{۵۵}

۶-۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از گزین‌گویی‌ها

نهایتاً بایستی متذکر شد:

- ۱- کسانی که در باب ادعای ایمان‌گروی به جملاتی از «فرهنگ و ارزش» استناد کرده‌اند، از کنار قطعات صریح و متعددی که نافی ایمان‌گرایی بوده‌اند به نحوی ناموجه گذشته‌اند.
- ۲- تعمق در گزین‌گویی‌های توصیف مسیحیت ایمان‌گرایانه بیشتر این باور را می‌پروراند که مقصود ویتگنشتاین ترتیب‌دادن شرایطی برای فهم چستی ایمان است.
- ۳- می‌توان تحلیل دیگری از گزین‌گویی‌ها به‌ویژه فرهنگ و ارزش براساس سیر تکاملی و پیشرفت تاریخی بحث‌ها داشت، به‌عنوان نمونه توصیفات ایمان‌گروانه که در سال ۱۹۳۷ در اوچاند در سال ۱۹۴۸ چنین استحال یافته‌اند:

«بی‌شمار پرسش بی‌ربط می‌پرسم؛ با‌دا که راهم را در این بیشه‌زار پیدا کنم.»^{۵۶}

۷- ویتگنشتاین و مؤلفه‌های باور دینی

آنچه تاکنون گذشت در نفی تلقی ایمان‌گرایانه از ویتگنشتاین بود اما مسلماً او اندیشه‌های دینی قابل‌تأملی دارد که باید به نحوی درخور ارائه شوند؛ به‌بیان‌دیگر اکنون لازم است آموزه‌های فوق‌الذکر به‌گونه‌ای ایجابی مرتب شوند و پاسخ داده‌شود که ویتگنشتاین ایمان را چه می‌داند؟ می‌توان مواجهه ویتگنشتاین با دین را در دو ساحت سلبی و ایجابی لحاظ نمود^{۵۷} که اهم مؤلفه‌های سلبی آن

- ۱- رد بی‌معنایی باور دینی؛
 - ۲- رد تفاسیر زبان‌شناختی از باور دینی؛
 - ۳- رد همسانی خرافه و باور دینی و
 - ۴- رد تقلیل‌گرایی باور دینی^{۵۸}
- و مهم‌ترین مؤلفه ایجابی آن:
- ۵- توجه به معنابخشی باور دینی و حیات دینی است.

۷-۱- اشاره به مؤلفه‌های سلبی باور دینی نزد ویتگنشتاین

توجه به برخی نکات در اندیشه ویتگنشتاین و شاگردان و شارحان مستقیم او برای جمع‌بندی بحث مهم است:

- ۱- مشکل ما در فلسفه آن نیست که چیزی نمی‌دانیم بلکه آن است که زیاد می‌دانیم! یا به بیان خود او: ای کاش خداوند به فیلسوف بصیرتی بدهد تا آنچه پیش چشم همگان است دریابد (مثلا ن. ک: CV, p. 63)؛
- ۲- اگرچه بدیهی است اما اغلب غفلت می‌شود که وقتی دو نفر می‌گویند «ایمان دارم» معنا و مراد واحدی ندارند؛
- ۳- تمایزی که به‌ویژه در رساله میان اشیاء و الفاظ و کلمات نهاده می‌شود در فهم متعلق واژه «خدا» واجد اهمیت بسیار است؛
- ۴- ویتگنشتاین - به‌ویژه در درس گفتارها - تشکیل تصور از خدا و متعلق آن را متفاوت از هر ادراک متداول دیگری می‌شمرد. (ن. ک: LC, p. 59)؛
- ۵- مهم‌ترین وجه معنا نزد ویتگنشتاین، همان افق اگزیستانسیالیستی است: مرگ (مثلا ن. ک: CV, p. 85)؛
- ۶- ویتگنشتاین در «فرهنگ و ارزش» صراحتاً از مراتب تشکیکی ایمان سخن می‌گوید (مثلا ن. ک: CV, p. 32) که البته ممکن است از آنها تفاسیری نسبی‌گرایانه نیز به عمل آید؛
- ۷- ویتگنشتاین در مواضعی صراحتاً گفتارهایی مخالف با ایمان‌گرایی دارد که برخی از مهم‌ترین آنها بدین شرح است:
- او بارها در «فرهنگ و ارزش» و «درس گفتارها» بسیاری آموزه‌های دینی را با عنوان خرافه نقد می‌نماید؛
 - او در «درس گفتارها» پرسش اساسی چگونگی مقایسه و داوری میان باورها را پیش می‌کشد (مثلا ن. ک: LC, p. 54)؛
 - او قائل به افق‌ها و حدود باز برای بازی‌های زبانی است^{۵۹} (به تعبیری به امکان ایضاح، انکار و شک قائل است)؛
 - همچنین ویتگنشتاین به‌رغم آنچه به‌عنوان تمایز بازی‌های زبانی علم و دین و ... به او نسبت داده می‌شود، اغلب تعامل بازی‌های زبانی را مد نظر دارد و می‌گوید: «...پیش از حل شدن همه مسائل فلسفی هیچ مسئله فلسفی نمی‌تواند حل شود و این یعنی، مادام که همه آنها حل نشده‌اند، هر دشواری جدیدی همه نتایج قبلی ما را مشکوک می‌سازد.» (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵ (کتاب آبی)، ص ۷۳)
 - در یادداشت‌های ۱۹۳۱ و برخی نامه‌نگاری‌ها انگاره‌های کرگارد را نقد و نفی می‌نماید؛^{۶۰}
 - آموزه «وظیفه فلسفه» که به نوعی دغدغه تمام حیات فکری ویتگنشتاین به‌شمار می‌آید، صراحتاً جایگاه اندیشه را لحاظ می‌دارد؛ از جمله در آخرین گفتارهایی که از او به چاپ رسیده‌است (مثلا فرهنگ و ارزش) می‌خوانیم: «...و اکنون باید فرآیندهای اندیشه خود را به مدد فلسفه روشن کنیم.» (ویتگنشتاین، ۱۳۷۴: ص ۳۴۵)

نهایتاً^{۶۱} شایان توجه است که می‌توان به نوعی تفسیری از ایمان‌گرایی و بازی‌های زبانی ارائه داد که بین این دو سازگاری و تلفیق ایجاد شود؛ اگر ذیل ایمان‌گروی آگوستینی «ایمان می‌آورم تا بفهمم»؛ جزء/ایمان می‌آورم - را معادل بازی زبانی که مراد و قاعده اصلی آن طلب معناست لحاظ نمائیم و جزء بفهمم - را معنا = کاربرد در نظر بگیریم.
در خاتمه و نتیجه‌گیری (بخش ۱۰-) به این موضوع باز خواهیم گشت.

۷-۲- اشاره به مؤلفه ایجابی باور دینی نزد ویتگنشتاین

بایستی متذکر شد که ویتگنشتاین در دوران جوانی پیش از نوشتن *تراکتاتوس* و در مواقع حساسی با *انجیل* - به روایت تولستوی - مأنوس بوده‌است.^{۶۲} در بخش بعد این نگره به تفصیل بررسی شده‌است.

۸- ویتگنشتاین و معنای زندگی

آنگونه که گذشت مهم‌ترین متنی که به لحاظ نگرش دینی - نه تنها در لحظات سخت بلکه در سراسر حیات - بر ویتگنشتاین تأثیر نهاده «گزارشی از انجیل» تولستوی بوده‌است. کتاب مشتمل بر چهار بخش اصلی است:

۱- مقدمه در باب الهیات جزمی، که با عنوان «اعترافات من» مشهور شده‌است؛

۲- در نقد الهیات جزمی؛

۳- تصنیفی از انجیل اربعه، که براساس قرائت خاص تولستوی از مسیحیت در ۱۲ عنوان مأخوذ از انجیل گزینش شده؛

۴- ایمان من، تأملاتی درباره دین به معنای عام

پس از مقدمه تولستوی این اندیشه جزمی کلیسا را که برای ارزش‌مندی آموزه‌های انجیل باید الزاماً آنها را وحیانی و از جانب روح‌القدس دانست به چالش کشیده و مقایسه‌ای میان یهودیت، مسیحیت و اسلام در این باب انجام می‌دهد (pp.13-15) و پس از به چالش کشیدن تفاسیر اصلی کلیسا در طول هجده قرن (pp.11-17) این گفتمان را پیش می‌آورد که: «اما چرا تنها مسیح؛ چنین تأثیر ژرفی در بشریت داشته‌است؟ ... لذا نوشتار حاضر نشان خواهد داد مسیحیت نه آمیخته‌ای از امور قدسی و بنیادی بلکه در عوض متقاعدکننده‌ترین مابعدالطبیعه، بنیان و نظام اخلاقی است که به تنهایی و در حد کمال، آموزه حیات - که بشریت توانسته به آن دست یابد و تمام ساحت‌های سیاسی، علمی، هنری و فلسفی از آن قابل استخراج است - ارائه می‌دهد.» (pp.18-20)

تولستوی برای مؤخره عنوان «فهم زندگی» را انتخاب نموده (pp.156-159) و ادعای بسیار مهمی طرح می‌نماید:

«اعلان مسیحیت منجر به آن شد تا آموزه فهم و معنای زندگی، جایگزین اعتقاد به وجود خدای عینی در خارج شود ... و انجیل مکاشفه این حقیقت است که بنیان اساسی هر امری، فهم زندگی فی نفسه می باشد.»

و بعد از چند بند در شرح این موضوع، عبارتی ذکر می کند که بعدها به عینه در یادداشت های ویتگنشتاین^{۶۳} دیده می شود: «فهم زندگی، خداست» (p.158)؛ تولستوی سپس برای تقریب این ادعا به ذهن از تمثیل «نور حقیقت» استفاده می نماید. او سپس در پاسخ آنکه فهم زندگی چیست؟ می نویسد:

«درک اینکه منشأ زندگی خیر کامل است و بنابراین طبیعت انسانی نیز چنین می باشد و برای فهم منشأ زندگی ضروری است باور داشته باشیم جان ما و تقدسش از آن منشأ است ... و دیگر آنکه انسان به علم حضوری در می یابد عشق و خواست خیر برای نوع بشر، تنها حقیقت، زندگی آزاد و ابدی ... و اتحاد با پدر زندگی است ... فهم زندگی آن است که خدا حیات و تقدس است که مرگ و شر در آن راه ندارد.» (p.161) و نهایت حکم تولستوی در این بخش همان است که نزد ویتگنشتاین به عنوان آموزه «سکوت و معنا» می شناسیم: «ما بایستی عشق بوزریم اما نه با سخن بلکه با کردار حقیقی و آنکس که چنین باشد سکوت و قلبی آرام دارد از آن رو که با خدا متحد است ... و خدا همان عشق است!» (pp.163-164)

نتیجه گیری از مسئله معنا:

اگرچه مسئله معنای زندگی در ساحت های گوناگونی مورد تأمل قرار می گیرد؛ اما بایستی عمده رویکرد فلسفی/ دینی به مسئله معنای زندگی را در سه ساحت ذیل جستجو نمود:
اول - معنای زندگی برحسب زبان دین و مسئله محوری در الهیات؛
دوم - معنای زندگی به مثابه راز - در مقابل مسئله، آنگونه که گابریل مارسل مطرح می نماید و نهایتاً

سوم - معنای زندگی به منزله فهمی در صور حیات (بازی زبانی).
توضیح آنکه پرسش از معنای زندگی چنان ژرف نموده است که هیچ اندیشمندی نتوانسته مدعی دادن پاسخ قانع کننده به آن شود و همواره اذعان داشته اند: ما زندگی می کنیم و بس! و برای فهم معنای زندگی باید به خود زندگی رجوع کرد ... و این همان قاعده اساسی در بازی های زبانی است. لذا مهم ترین وجه بازی زبانی به عنوان نظریه فهم معنا در درک «معنای زندگی» آشکار می شود.^{۶۴}

۹- جمع بندی نکات متفرقه پیرامون پاسخ ها در نفی ایمان گروهی ویتگنشتاین
لازم است جهت تکمیل بحث اشاره ای نیز به مکتب کمبریج و یا به قولی آراء محفل شاگردان ویتگنشتاین ذیل این موضوع داشته باشیم:

۱- «بی‌دلیلی باور» که از آراء نورمن مالکم استخراج و به‌عنوان مهم‌ترین مصداق ایمان‌گروی ویتگنشتاین مطرح شده؛ بیش از آنکه تأکیدی بر ایمان‌گرایی باشد، هم عرضی و هم ارزشی ایمان‌گروی و نظام اصل موضوعی را بیان می‌دارد^{۶۵}؛ حتی به تعبیری می‌توان مدعی شد بی‌دلیلی باور را نیز اگر به دقت تحلیل نماییم، مخالف با ایمان‌گروی است و چنانچه در دی. گزاره ۱۶۶- عنوان شده: «مشکل؛ درک بی‌دلیلی باور آوردن‌های ماست.»

۲- به‌نظر می‌رسد بعضا برخی آراء منصوب به پوزتیویست‌های منطقی بی‌هیچ استنادی به ویتگنشتاین نسبت داده شده‌اند.

همچنین در برخی آثار میان تصویر تمثیلی ویتگنشتاین در ارجاع به مسیحیت و «تصویر» در رساله منطقی-فلسفی خلط شده‌است.^{۶۶}

۳- آنگونه که در بخش‌های قبل تصریح شد اغلب آنچه درباب ایمان‌رایی به ویتگنشتاین نسبت داده شده نه برگرفته از آثار او و یا تفاسیر شاگردان و شارحان مستقیم او بلکه اغلب از نظریات دست دوم (مانند دان استیور و فیلیپس) و تاریخ‌نگاری‌ها (مانند مگی و هایمان و هارتناک) و یا حتی بعضا مخالفان (مانند بریث ویت، مایکل مارتین و کی نیلسن) بوده‌است، که این امر با وجود ترجمه - تا حدی مناسب - آثار اصلی این فیلسوف، غیرقابل‌قبول و شایان تأمل است.

۴- ادعای تمایز و بی‌ارتباطی ساحت‌های حیات دینی و علمی، استنباط کی نیلسن (Nielson, 1967) و سپس تأکید آستین (Austin, 1976, pp.83-84) از نظریه ویتگنشتاین می‌باشد و همچنین ضروری است متوجه بود گفتن اینکه بازی‌های زبانی علم و دین جدای از یکدیگرند و استنتاج ایمان‌گرایی از آن به نوعی خلط نظریه بازی‌های زبانی به‌عنوان نگره فهم و معنا با نظریه استنتاج و قضاوت است.

البته شایان ذکر است "نیلسن" که آغازگر نسبت‌دادن ایمان‌گرایی به ویتگنشتاینی‌هاست، اذعان می‌کند هیچ شاهد مستقیمی در آراء خود ویتگنشتاین برای ایمان‌گروی نیست (Nielson, 1967) همچنین ن. ک: زندیه، ۱۳۸۶، صص ۲۹۲ و ۲۹۸ و جوادی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۹) و این تنها رویکردی است که متأثرین از او پی‌گرفته‌اند.

۵- می‌توان مدعی شد تمامی مواردی که به بازی زبانی و باور دینی ویتگنشتاین ارجاع شده‌است؛ او متوجه معناست.^{۶۷}

۶- از سوی دیگر اگر درنظر بگیریم منشأ و ظهور ایمان‌گرایی از تقابل عقل و ایمان (یا علم و دین) خاسته‌است؛ آنگاه درحالی که برخورد ویتگنشتاین با علم و دین در نظریه زبانی به یک نحو است، چگونه می‌توان ایمان‌گرایی را به او نسبت داد؟^{۶۸}

و نهایتاً اغلب آنچه به‌عنوان ایمان‌گروی به ویتگنشتاین نسبت داده شده^{۶۹}، تنها برداشتی از تفاسیر دی. فیلیپس^{۷۰} از نگره حیات دینی است و حتی از سویی با برخی اهم مواضع ویتگنشتاین - به‌ویژه «وظیفه فلسفه» و «نفی زبان خصوصی» (به تعبیری انفسی بودن) - متعارض است.^{۷۱}

نتیجه‌گیری

اگرچه نمی‌توان منکر شد و حتی فراموش کرد ویتگنشتاین عمیقاً معنوی و اخلاقی بود، اما این غیر از نسبت‌دادن آموزه‌هایی به او است که اساساً با آن‌ها مخالف بوده‌است. ماحصل مقاله حاضر را می‌توان بدین قرار برشمرد:

۱- ایمان‌گرایی به معنای متعارف و براساس مؤلفه‌های کلاسیک آن نه تنها صراحتاً در آثار ویتگنشتاین وجود ندارد بلکه حتی از آن‌ها استنباط هم نشده و البته می‌توان موارد نقض و علیه ایمان‌گرایی نیز در آموزه‌های او به دست داد.^{۷۲}

۲- نسبت ایمان‌گرایی و استنتاج آن از بازی‌های زبانی به‌ویژه خلطی در تلقی از بازی‌های زبانی به‌عنوان نظریه استنتاج و قضاوت؛ به‌جای نگره فهم و معنا است.^{۷۳}

۳- به‌بیان‌دیگر بایستی اذعان داشت هرگونه نسبت‌دادن ایمان‌گرایی به آموزه‌های ویتگنشتاین حاصل بدفهمی ساده‌ترین و اساسی‌ترین مراد او در حیات فکری‌اش - حتی اگر قائل به تمایز دو دوره باشیم - یعنی تقدم پرسش از معنا بر معرفت‌شناسی - و ایمان‌گرایی و ... ذیل آن - است.

۴- به‌علاوه در رویکرد بازی زبانی دینی به ویتگنشتاین، از زبان سوءتعبیر به معنای اخص آن یعنی گفتار شده‌است درحالی‌که حتی معنای خاص آن یعنی نحوه ارتباط هم مدنظر ویتگنشتاین نبوده بلکه به معنای عام زبان به‌مثابه خانه وجود باید اندیشید.^{۷۴} (ویتگنشتاین زبان را فراتر از «نحوه ارتباط» (معنای خاص زبان)، «خانه وجود» می‌دانست (معنای عام)؛ حال آنکه در نظریه بازی زبانی دینی، زبان به «گفتار» (معنای اخص) فروکاسته شده‌است.)

۵- نسبت‌دادن دو دوره متمایز و متقابل فکری به ویتگنشتاین محل تردید است. و از مهم‌ترین نتایج پژوهش در باب باور دینی نزد ویتگنشتاین آن است که براساس شواهد و آراء خود او نمی‌توان پذیرفت دو دوره اندیشه مجزای منسوب به او بر مبنای رساله و پژوهش‌ها صحیح باشد و بایستی وحدت عمیقی در این خصوص قائل بود.^{۷۵}

۶- ضروری است در تأملات دینی ویتگنشتاین دو ساحت سلیبی و ایجابی تشخیص داده‌شده و جداگانه بررسی شوند.

۷- آنگونه که (در بخش ۷-۱- مقاله) گذشت می‌توان تفاسیری خاص از آموزه‌های ویتگنشتاین ارائه داد که اگرچه به هیچ‌وجه همان ویژگی‌های ایمان‌گرایی متعارف را ندارند اما تلقی نوینی از ایمان بدست می‌دهند.

مسئله او جوهره دین را امری رازورانه می‌داند به این معنا که هر مواجهه نو با آن همواره تجلی‌ای نو دربردارد، با معرفت و علم تحدید نمی‌یابد و پایان‌ناپذیر، بی‌نهایت و متعلق به سکوت است.^{۷۶}

۸- نهایتاً بایستی در خصوص پرداختن به باورهای دینی ویتگنشتاین به مؤلفه‌های اساسی مرتبط نزد او (ن.ک: مقدمه مقاله حاضر) توجه داشت.^{۷۷}

و البته بایستی اذعان نمود نظرگاه ویتگنشتاین صعب‌تر و چندلایه‌تر از آن است که کسی بتواند مدعی تفسیر نهایی در این باب شود اگرچه در اواخر عمر (به سال ۱۹۴۹ میلادی) در فضای تحیر عنوان می‌نماید:

«اگر مسیحیت حقیقت باشد؛ پس هر فلسفه‌ای درباب آن غلط است.» (!) (C.V. p.568)

پی‌نوشت‌ها

۱. درجه دوم بدین معنا که نه مبتنی بر آثار ویتگنشتاین است و نه نظریات شاگردان مستقیمی مانند آنسکوم و مالکوم که به نوعی امتداد مکتب او محسوب می‌گردند.

2. Austrian Ludwig Wittgenstein Society.

۳. دوره ۵- اخلاق - سال ۱۹۸۰ میلادی؛ ۲- دوره ۶- زبان و وجودشناسی - ۱۹۸۱ م؛ ۳- دوره ۸- استتیک و فلسفه دین - ۱۹۸۳ م؛ ۴- دوره ۱۸- فرهنگ و ارزش - ۱۹۹۵ م؛ ۵- دوره ۲۱- حکمت عملی - ۱۹۹۸ م؛ ۶- دوره ۲۶- دانش و باور - ۲۰۰۳ م. و ۷- دوره ۲۹- فرهنگ - ۲۰۰۶ م.

۴. مثلاً ن.ک: رحیمیان و جباره ناصرو، ۱۳۸۸، صص ۶۰-۸۰.

۵. ریچارد پاپکین - در مدخل *دائرةالمعارف پل ادواردز* - ایمان‌گرایی را به دو قسم می‌داند:

۱. افراطی (Extreme Fideism)؛ متأثر از ترتولیان که می‌گفت «ایمان می‌آورم چون محال است» و کرکگارد از این دسته است.

۲. معتدل (Moderate Fideism)؛ متأثر از آگوستن که می‌گفت «ایمان می‌آورم تا بفهمم» و پاسکال این‌گونه است.

Popkin, 1972, pp.201-202 همچنین ن.ک: زندیه، ۱۳۸۶، صص ۳۶۳-۳۶۵)

(همچنین ن. ک: پلاتتینگا، ۱۳۸۱، صص ۲۰۲-۲۰۸ و جوادی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۵-۱۲۷ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، صص ۶۳-۷۱)

به‌علاوه در این خصوص افزوده‌اند، فیدئیسیم به‌معنای «ایمان بدون دلیل» یا «ایمان به‌رغم دلیل» است که نماینده یکی ویتگنشتاین و دیگری کرکگارد می‌باشد (ملکیان، ۱۳۷۹ (ج ۴)، ص ۲۶۳).

در باب ایمان‌گرایی کرکگارد بایستی متوجه دو مقاله مهم بود:

۱. "سورن کرکگارد"، «انفسی بودن حقیقت است»، ترجمه مصطفی ملکیان، نقد و نظر ۳ و ۴، تابستان و پائیز ۱۳۷۴، صص ۶۲-۸۲

و ۲- رابرت مری هیو آدامز، «ادله کرکگارد بر ضد استدلال آفاقی در دین»، ترجمه ملکیان، همان نشریه، صص ۸۲-۱۰۲.

اهم شاخصه‌های ایمان‌گروی - انفسی بودن - بنا به تعبیر کرکگارد چنین است:

۱- حقیقتی از آن خود؛ ۲- دل‌بستگی شخصی، بی‌حد و حصر و شورمانده؛ ۳- پیوند خورده با سعادت ابدی (ص ۶۴)؛ ۴- حقیقت مسیحیت (دین) فقط اینگونه طرح‌شده (صص ۶۵ و ۷۰)؛ ۵- وابسته به تصمیم

(ص ۶۵)؛ ۶- همراه با پذیرش یک ضمانت جزمی (مانند وحی، کتاب مقدس و...) (ص ۶۶)؛ ۷- ناسازگار با یقین (ص ۶۷)؛ ۸- محتاج برهان نیست بلکه برهان را خصم خود می‌داند (ص ۶۸)؛ ۹- سیر باطنی است (ص ۷۱)؛ ۱۰- باطل‌نماست (Paradox) (صص ۷۲ و ۷۷)؛ ۱۱- خدا قطعاً یک اصل موضوع (Postulate) و ضرورت می‌شود (ص ۷۳)؛ ۱۲- بدون خطر کردن (risk) ایمانی در کار نیست (ص ۷۶)؛ ۱۳- متعلق ایمان امر نامعقول است (ص ۸۰).

از سوی دیگر به تعبیری مری هیوآدامز سه تقریر از ایمان‌گرایی کرکگارد ارائه می‌دهد:

۱. «ایمان باید قاطع باشد؛ درواقع به‌نظر می‌رسد ایمان نوعی از تصمیم‌گیری است. نتیجه باور، نتیجه نیست؛ بلکه تصمیم است و به همین جهت است که باور نافعی شک است. تصمیم ایمان تصمیم به چشم‌پوشی از امکان خطاست - تصمیم به عمل به مقتضای باور، بدون احتیاط و احتساب امکان خطا.» (ص ۸۵).

۲. «ایمان دینی اصیل نمی‌تواند مبتنی باشد بر تحقیقاتی که خود مؤمن به امکان اینکه در آینده به تجدید نظر در آنها حاجت افتد قائل است.» (ص ۹۰).

۳. «ایمان دینی، بالطبع، محتاج نامحتمل بودن آفاقی است (احتمال هیچ راهی به این ساحت ندارد).» (ص ۹۲).

۶. در عهد جدید - رساله پولس به عبرانیان - باب یازدهم - آیات ۱-۳؛ درباب ایمان می‌خوانیم: «پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده‌است و برهان چیزهای نادیده. ۲ زیرا که به این، برای قدامت شهادت داده شده ۳ به ایمان فهمیده‌ایم که عالم‌ها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد.» آنگونه که مشخص است در این گفتار پولس، بذر اندیشه تقدم ایمان بر فهم که بعدها آموزه آگوستینی قرار گرفت بالقوه وجود دارد.

۷. «ترکیب و تألیفی است از شکاکیت کامل درباره امکان شناسایی انسانی، لاقلاً در قلمرو شناخت دینی، وتوسل به شناسایی از طریق ایمان که به‌وسیله دلیل عقلی تأیید نشده‌است ... تقریباً در همه سیرت‌ها و سنت‌های مهم و بزرگ دینی در عالم غربی، نظریه اهل ایمان وجود داشته و معمولاً متفکران دینی یا عرفانی که کوشش برای درک و فهم شناسایی دینی به‌وسیله عقل را خطرناک‌ترین روش دانسته‌اند، آن را اظهار کرده‌اند ... آنچه این امر ظاهراً بر آن دلالت می‌کند این است که طریقه ایمان مبتنی است بر نظریه شکاکانه شناسایی که یا به یک نتیجه دینی یا لادری منجر می‌شود که هر دو با دلایل فلسفی بکارگرفته شده ناسازگار است.» (پاپکین و استرول، ۱۳۸۰، صص ۲۴۲-۲۴۳)

۸. برخی همچنین پنداشته‌اند «ایمان‌گرایان به‌طور عام به شکاکیت (در حوزه دین) خوش‌بین‌اند و تلاش شکاکان را در جهت تأیید دیدگاه خود می‌دانند» (جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷)

البته عده دیگری از متفکران نسبت میان این دو بحث را عموم و خصوص من وجه می‌دانند.

۹. به‌عنوان مثال دکتر فتح ... مجتبیایی گفتاری دارند که می‌تواند به‌نوعی تعریفی متفاوت از ایمان‌گروی تلقی شود: «حوزه‌ای از حیات بشری هست که هیچ چیز جز دین نمی‌تواند با آن در ارتباط باشد و آن حوزه ایمان و حیات ایمانی است. البته ... اگر این حیات ایمانی خراب شود همه وجود او خراب

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت‌شناسی دینی منسوب به او ۸۱
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

شده است.» (مجتبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵) همچنین بیان دیگری از ایمان‌گروی وجود دارد که به تعبیری می‌توان آن را نگاه حداقلی دانست. از این منظر «داشتن ایمان به منظور تحقیق در محتوا و حقیقت آن، امری ضروری است و قضاوت‌های بیگانگان فاقد اهمیت‌اند.» (پیلین، ۱۳۸۳، ص ۲۸؛ همچنین ن. ک: مصاحبه برایان مگی و نینیان اسمارت ذیل کلام فلسفی، انتشارات صراط، ترجمه نراقی و سلطانی، ۱۳۷۴)

۱۰. لازم به ذکر است که در اندیشه استدلال‌گرایان، نفس‌الامر دینی امری متحقق در عالم خارج و مثلاً در لوح محفوظ یا در مثل الهی است.

۱۱. همچنین به‌عنوان نمونه‌ای از تبیین اخلاقی از ایمان‌گروی نگاه کنید به: رالف مکینرنی، *اخلاق مسیحی*، ترجمه علیخانی و سوری، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶. به‌علاوه ج. استراهان و دیگران ضمن تحقیقات میدانی روان‌شناختی دین و گستره‌ای از پژوهش‌های آماری در جامعه مسیحی به نکات قابل تأملی دست‌یافته‌اند که چندان تأییدکننده پذیرش این تعاریف ایمان در میان مسیحیان نیست (مثلاً ن. ک: ج. استراهان، ۱۳۸۴، صص ۹ و ۱۰ و ۱۶-۱۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۵۵).

۱۲. محل تأمل و تعجب است که برخی اساساً ارزشمندی مباحث ویتگنشتاین – به‌ویژه رویکرد زبانی – را نفی و رد کرده‌اند! به‌عنوان مثال در این باب دکتر احمد احمدی می‌گوید: «زندگی از طریق زبان بدست نمی‌آید.» (جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۸، صص ۱۶۱-۱۶۲) و دکتر مهدی گلشنی معتقد است: «... چیزی از این حرف‌ها بدست نمی‌آید»!! (همان، ص ۱۲۸) ... در مقاله حاضر این تلقی را در هاله‌ای از ابهام رها می‌نمائیم!

13. Stewart Sutherland.

14. Gina Schonbaumsfeld.

15. D. Z. Phillips.

16. Kai Nielson.

۱۷. مهم‌ترین مروجین این مسئله در ایران به‌ویژه آقایان صادق لاریجانی و علیزمانی می‌باشند.

۱۸. سه اثر از ویتگنشتاین در ترجمه‌ها، درس گفتار نامیده شده‌اند:

۱- درس گفتاری در باب اخلاق، سخنرانی درباره اخلاق به سال ۱۹۲۹ به دعوت آگدن (چاپ اول ۱۹۹۴ میلادی)

۲- درس گفتارهای کمبریج ۱۹۳۲-۱۹۳۵. (چاپ ۱۹۷۲ میلادی)

۳- درس گفتار هائی درباره زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی و باور دینی (۱۹۸۴ میلادی)

اما اگر بدون هیچ تأکیدی، *درس گفتارها* (LC) آورده شود مقصود همین مورد است.

۱۹. کیویت آراء دینی دوران متأخر حیات ویتگنشتاین را نیز به نوعی امتداد سنت قدیمی استعاره – نماد – تمثیل می‌انگارد! (ن. ک: کیویت، ۱۳۸۵، ص ۲۶۸) به‌علاوه بایستی متذکر شد کیویت اصول باور و آموزه دینی ویتگنشتاین را مبتنی بر انسان‌گرایی و اختیارگرایی می‌شمرد (مثلاً: صص ۲۷۰ و ۲۷۲) که البته با ایمان‌گرایی در تناقض است. اگرچه در خاتمه بحث خود و با عنوان «ارزیابی» به‌وجهی غریب

ویتگنشتاین را ایمان‌گرا توصیف می‌کند: «ویتگنشتاین ... چنان آدمی (است که گویا) از الهیات لیبرال و تجددخواه بیزار است و ترجیح می‌دهد به آنچه خود اصیل می‌پندارد دودستی بچسبید هرچند که خود شخصا نصفه و نیمه در شک است و بستگی او به آئین جنبه خصوصی پیدا کرده‌است و وی دیگر قادر نیست آن را به طرز مؤثری در روند کلی زندگی واقعی خود بگنجانند. نیچه اگر بود با خشونت می‌گفت این آدم را شبه خدا تسخیر کرده‌است و به این جهت ناچار است هر هفته برود و گل روی قبر خدا بگذارد. پس می‌توان تعلیمات ویتگنشتاین را بسیار گذشته‌پرست خواند ... عقیده خود من این است که اندیشه‌های دینی او زیادی محافظه‌کارانه و غربت‌زده بود. گرفتار گونه‌ای رخوت عرفانی بود که از شوپنهاور میراث برده بود.» (صص ۲۷۶ و ۲۷۷)

۲۰. به تعبیری ماحصل نظریه بازی‌های زبانی، استقلال بازی زبانی دینی و ناممکن بودن نقد باورهای دینی براساس اصول فلسفی و دستاوردهای بشری است.

۲۱. چنانچه مشخص است این تلقی ایمان‌گرایی متفاوت با دیدگاه جزمی ارائه شده در تعاریف (بخش ۱۱- مقاله حاضر) است و البته هنوز مسئله معنا و کاربرد واژه «خدا» در بازی زبانی مذکور مفتوح و قابل بررسی است.

به‌نظر می‌رسد یادآوری یا «باز شناسی ایمان» به‌ویژه براساس تمثیل عکس و یافتن چیزی در آن که ویتگنشتاین ارائه داده، ترجمه مناسب‌تری باشد.

22 Representation of Faith.

۲۳. در دان کیویت، *دریای ایمان*، ترجمه کامشاد، طرح نو، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱ ذیل ترجمه همین فقره «نظام راهنما» استفاده نموده‌است

۲۴. در یک جمع‌بندی دیگر ارجاعات اصلی به فیدئیسیم ویتگنشتاین به موارد ذیل دانسته‌شده (مثلاً ن.ک: خاتمی، صص ۲۱۶ و ۲۱۸):

۱- پژوهش‌های فلسفی بند ۳۷۳: «دستور زبان می‌گوید هر چیزی چگونه اثره‌ای است. (خدانشناسی به‌عنوان دستور زبان)»

۲- فرهنگ و ارزش بندهای ۵۰ و ۸۳ و ۳- درس‌گفتارها بند ۲-۷۱.

۲۵. اگرچه مشخص است این استدلال چیزی بیش از تشبیه نیست اما می‌توان تقریراتی از آن را در این منابع یافت: مالکوم، ۱۳۸۳، صص ۱۶ و ۴۷ و درباب اینکه تبیین پایانی دارد ن.ک: دی. گزاره‌های ۱۶۴ و ۱۹۲ و ۲۰۴ و ۶۱۲ و ۶۲۵؛ همچنین مقایسه کنید با این استنباط از رساله که تحلیل هر گزاره‌ای باید بتواند کامل شود: مالکوم، ۱۳۸۳، ص ۶۴ و تفسیری خاص در همان، صص ۹۴ و ۱۱۶-۱۱۷.

26: M. O'C. Drury.

27: Rush Rhees, 1984, p.94

۲۸. این نکته از گفتار یازدهم، بخش دوم، پژوهش‌های فلسفی است که آقای فریدون فاطمی در ترجمه فارسی این‌گونه نقل کرده‌اند: «می‌توان گفت آنچه باید پذیرفته شود، امر داده‌شده، صورت‌های زندگی است.» (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰، ص ۳۹۷)

۲۹. درباب سیر تاریخی باور نزد ویتگنشتاین ن. ک: مالکوم، ۱۳۸۳، ص ۴۹.

۳۰. البته ویتگنشتاین بلافاصله می‌افزاید: «ولی آیا ممکن نیست چیزی رخ دهد که مرا کاملاً از خط خارج سازد؟ شاهدی که یقینی‌ترین چیز را برای من ناپذیرفتنی سازد؟ یا هرطور شده مرا به ترک بنیادی‌ترین احکام خود وادارد؟» (د.ی. ۵۱۷)

۳۱. به نظر می‌رسد براساس سیاق متن، ترجمه صحیح‌تر «بازی زبانی مبتنی بر علیت نیست» باشد.

32: Intelligibility.

33: Reality.

34: Rationality.

۳۵. درباب معقولیت و لزوم دقت فلسفی در آن به‌ویژه ن. ک: محمدرضائی و کلکار، "یا معقولیت

برهان است"، فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره ۲۲، تابستان، ۱۳۸۹

۳۶. به‌عنوان مثال: ۱- بایستی انعکاس نسبت اندیشه با صور حیات در بازی‌های زبانی مورد تأمل واقع شود؛ حتی بنابر تفسیری صور حیات متناظر با بازی‌های زبانی در حقیقت همان صور ذهن یا صور تعقل‌اند (مثلاً ن. ک: ابراهیمی دینانی ذیل: جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۸، صص ۷۲ و ۷۴ و ۹۴). ۲- از منظری دیگر، وجود ذهنی زندگی، زبان خواهد شد و وجود عینی زبان، زندگی است (ن. ک: کدیور، جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۸، ص ۴۱۵). ۳- کسانی چون ویلیام آلتون درباب نسبت دادن ایمان‌گرایی به ویتگنشتاین انتقاداتی وارد نموده‌اند. خلاصه بحث آنان بر این اساس است که نگره‌های الهیاتی، کلامی و برهانی نیز که به‌عنوان علمی خارج از بازی زبانی دینی تلقی شده‌اند، بخشی از حیات دینی است. ۴- در سنت ترجمه‌ای و مقالات فارسی نیز بعضاً اشاراتی به رویکرد مخالف مطرح شده‌است، اما اغلب نگارندگان و مترجمین یا متوجه مخالفت با ایمان‌گرایی نبوده‌اند یا اصولاً ضمیمه و سیاق بحث‌شان چیز دیگری بوده‌است (مثلاً ن. ک: بحث ۵ بافت ویتگنشتاینی در: دی فیلیپس، ترجمه ملکیان، ص ۴۱ و بحث رویکرد بازی زبانی به تعالی زبان در: دی فیلیپس، ترجمه زندیه: صص ۱۳۳ و ۱۴۶-۱۴۷ و بحث شناختاری بودن رویکرد ویتگنشتاین در: برجسیان، ص ۴۰ و رد نسبت ایمان‌گرایی به ویتگنشتاین در: جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹، دکتر جوادی ذیل همین بحث در نقد و بررسی ص ۱۳۱ این پرسش را مطرح نموده اما هیچ پاسخی به آن نداده‌است).

۳۷. برخی گفته‌ها نیز تقریباً نامفهوم می‌نمایند مثلاً: «براساس دیدگاه ویتگنشتاین، اگر به آنچه که در

باطن هر مفهوم در هر دستگاه زبانی موجود است، به‌دقت بنگریم، حقایقی را بر ما آشکار خواهد ساخت که دیگر حاضر نخواهیم شد وقت خود را با بحث‌های بی‌حاصل تلف کنیم (!) ظهور این منطق جدید به همه مفاهیم نگاهی انضمامی دارد و این نگاه انضمامی، نگاه به حیات انضمامی این مفاهیم در تاریخ بشر است.» (برجسیان، صص ۳۷-۳۸).

۳۸. برخی از تقریرها به عنوان مثال بدین قرار است: ۱- ویتگنشتاین جزء ایمان‌گرایان افراطی به‌شمار می‌رود (اکوان، ۱۳۸۶، ص ۸۹).
- ۲- ویتگنشتاین می‌گفت ایمان به‌رغم دلیل نه؛ ولی ایمان بدون دلیل آری. یعنی دلیل به زیان و سود گزاره اقامه نشده‌است ولی به آن ایمان می‌آوریم ... ویتگنشتاین می‌گوید: وقتی به گزاره ایمان می‌آوریم که آن گزاره دلیلی به سودش نباشد ... ویتگنشتاین به «فیدئیسیم/اعتدالی» قائل بود (ملکیان، ۱۳۷۹ ج ۴، ص ۲۶۴).
- آنچه به نام ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی معروف است و کسانی چون دی. فیلیپس از آن دفاع می‌کنند، روایت خاصی از ایمان‌گرایی معتدل است (Penelhum, 1997, p.376 همچنین جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷ و عالی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰).
۳۹. «تلاش ویتگنشتاین آن است تا از بیرون به فهم دین مبادرت ورزد و بدیهی است از این دیدگاه، دین به همان اندازه که می‌تواند صواب باشد و مبنا و معنایی داشته باشد می‌تواند بر خطا، بی‌مبنا و بی‌معنا هم باشد.» (خاتمی، ص ۲۱۶)
۴۰. برخی از تقریرها به‌عنوان مثال بدین قرار است: ۱- ویتگنشتاین نیز همانند کرکگارد ایمان را مبتنی بر اثبات عقلانی نمی‌داند و همانند او و همه ایمان‌گرایان دیگر بر اهمیت خطر کردن تأکید می‌کند. اما برخلاف پاسکال و جیمز ایمان را یک مسئله ارادی نمی‌داند و برخلاف کرکگارد ایمان را ضد عقل نمی‌شمارد؛ بلکه دلایل آفاقی را صرفاً اموری بیگانه با ایمان - و نه ضد آن - می‌شمارد. به‌طور خلاصه نکات اصلی دیدگاه ویتگنشتاین درباب ایمان این است که ایمان به‌هیچ‌وجه براساس شواهد تجربی اثبات یا نفی نمی‌گردد. دیگر آنکه ایمان را نمی‌توان اثبات عقلانی یا نفی عقلانی نمود. البته ممکن است برای متعلق ایمان - مثلاً خدا یا آخرت استدلال آورد و آن را تشکیک‌ناپذیر ساخت؛ ولی با اثبات متعلق ایمان خود، خود ایمان ثبوت نمی‌یابد. ایمان نزد ویتگنشتاین تصویر و برداشتی است که با هیچ شاهد تجربی و استدلال عقلانی نقض نمی‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، صص ۶۷-۶۸).
- ۲- ایمان‌گرایی، جنبشی است در فلسفه دین و معرفت‌شناسی دینی که به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، تحت تأثیر مستقیم تعالیم لودویگ ویتگنشتاین توسعه یافت. این دیدگاه ترکیبی است از شکاکیت کامل درباره امکان معرفت انسانی همراه با توسل به معرفتی که از طریق ایمان حاصل آمده‌است (عالی، ۱۳۷۹، صص ۲۸۹-۲۹۰).
- ۳- ایمان‌گرایی ویتگنشتاین قرائت جدیدی از کرکگورد است که ایمان را شرط لازم تعقل معرفی می‌نماید (حقیقت، ۱۳۸۰، ص ۳) اعتقادات دینی خود تکیه‌گاه سایر اعتقادات بوده و طلب توجیه برای آنها بی‌معناست (همان، ص ۱۲).
- ۴- از نظر ویتگنشتاین باور دینی استفاده از یک «تصویر» است؛ تعهدی راسخ و تزلزل‌ناپذیر است که کل زندگی فرد را نظم می‌بخشد و مبتنی بر شواهد و دلایل نیست (مهدوی‌نژاد، ص ۶۹) دیدگاه‌های او. در «فرهنگ و ارزش» پای‌بند سنت کرکگارد ... و هم صدا با پاسکال است (همان، صص ۸۵ و ۸۷).

نظریه زبان دینی ویتگنشتاین از پیامدهای دراز‌آهنگ فلسفه کانت است که روزبه‌روز عرصه را بر دین تنگ‌تر می‌سازند (کاشفی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۲-۱۰۳).

۴۱. به یک تعبیر مکتب ویتگنشتاینیان کمبریج.

۴۲. مثلاً در دی. گزاره ۵۶: «و هر چیزى که یک بازی زبانی را توصیف کند جزء منطق

است.»

۴۳. ویتگنشتاین ضمن بازداستن افق بازی‌های زبانی اعلام می‌دارد: «این بدان معنا نیست که هیچ چیز در جهان حقیقتاً قادر نخواهد بود مرا به چیز دیگری متقاعد کند.» (دی. ۳۸۲) او. حتی نامعقول بودن (مثلاً به معنای مراد ایمان‌گرایان) را نیز در زمره امکان‌های افق باز بازی زبانی مطرح می‌سازد: «روش ما صرفاً برشماری کاربردهای واقعی واژه‌ها نیست، بلکه آگاهانه کاربردهای جدیدی را ابداع می‌کنیم، برخی از آنها به این دلیل که نامعقول به نظر می‌رسند.» (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵ (کتاب آبی)، ص ۴۹)

۴۴. مقایسه کنید با مقاله: محمدرضائی و گلکار - «شرطیه پاسکال: آیا معقولیت برهان است؟»، دانشگاه علامه، تابستان ۱۳۸۹ و همچنین مقایسه کنید با آراء آنشتاین، در نسبت و فیزیک و واقعیت، همچنین ارنست ماخ، در اساس علوم، در باب اصول موضوعه و سادگی نظریات علمی. البته ویتگنشتاین خودش نیز متذکر این اقتباس از آراء آنشتاین شده: دی. گزاره ۳۰۵.

۴۵. از این اثر یک ترجمه کامل و دو ترجمه ناقص وجود دارد اما ارجاعات ما به متن ترجمه انگلیسی *فون رایت* است و بعضاً تنها برای مقابله به ترجمه‌های فارسی ذیل اشاره شده:

۱- ویتگنشتاین، لودویگ، فرهنگ و ارزش، ترجمه امید مهرگان، گام نو، ۱۳۸۰

۲- ویتگنشتاین، لودویگ، «تأملاتی در باب فرهنگ و هنر و ادبیات»، ترجمه حسین پاینده، ذیل ارغنون شماره‌های ۷ و ۸، پائیز و زمستان ۱۳۷۴، صص ۳۴۱-۳۵۵.

۳- ویتگنشتاین، لودویگ، درباره اخلاق و دین، تدوین و ترجمه مالک حسینی و بابک عباسی، انتشارات هرمس، ۱۳۸۸: «گزیده‌هایی از نکته‌های گوناگون (فرهنگ و ارزش)»: صص ۴۳-۶۸.

۴۶. همچنین ن. ک: ترجمه مهرگان، صص ۲۷-۲۸ و مالک حسینی، صص ۴۷-۴۸.

۴۷. مثلاً ن. ک: ترجمه مهرگان، صص ۶۱-۶۲.

۴۸. مثلاً ن. ک: ترجمه مهرگان، ص ۶۵.

۴۹. همچنین ن. ک: مالک حسینی، ص ۵۱ و مهرگان، ص ۶۷.

۵۰. ن. ک: مهرگان، ص ۴۴.

۵۱. مقایسه کنید با مهرگان: ص ۵۹ همچنین نگره به ظاهر مقابلش در ص ۱۱۵: «تنها نوری از بالا».

۵۲. ن. ک: مهرگان، ص ۶۱.

۵۳. همچنین ن. ک: مالک حسینی، صص ۵۱-۵۲ و مهرگان، صص ۶۸-۶۹.

۵۴. ن. ک: ترجمه مهرگان، ص ۸۱.

۵۵. همان، صص ۱۲۶-۱۲۷.
۵۶. ن. ک: مهرگان، ص ۱۳۳؛ همچنین می‌افزاید: اگر خداوند واقعا انسان‌هایی را که باید نجات یابند، برمی‌گزیند، پس دلیلی وجود ندارد که آنها را بر پایه ملیت، نژاد یا خلق و خوی برگزیند. یا اینکه چرا گزینش نباید بیان خود را در قوانین طبیعی بیابد؟ مسلما او می‌توانست طوری انتخاب کند که گزینش، تابع یک قانون باشد.» (مهرگان، ص ۱۴۲)
۵۷. همچنین ن. ک: فیلیپس، ۱۳۸۲. اگرچه در رساله او. گزاره‌های سلبی و ایجابی را مزدوج می‌داند (ن. ک: ۵۱۵۱.۵).
۵۸. ویتگنشتاین به‌ویژه در درس‌گفتارها با هرگونه تحویل ایمان دینی به نظام آموزه‌های کلامی، دانش تاریخی، پیش‌گویی و مکاشفه، فرضیات و نظریات علمی و ... - اغلب براساس تحلیل بازی‌های زبانی و نتایج عملی آنها - به جد مخالفت می‌نماید (مثلا ن. ک: Wittgenstein, 1994).
۵۹. نورمن مالکوم در برخی تفاسیر خود مسئله افق‌های باز برای بازی‌های زبانی را به‌صورت امکانی و در قالب پرسش مطرح نموده‌است (ن. ک: مالکوم، ۱۳۸۲، ص ۳۲): از سوی دیگر اگرچه براساس آموزه‌های تراکتاتوس (بوژه گزاره‌های ۵، ۶ به بعد) کمتر می‌توان مرزهای باز برای زبان در نظر گرفت اما همچنان نزد برخی، امکان چنین برداشتی وجود دارد (مثلا ن. ک: فسنگول، ۱۳۸۵، صص ۵۱-۵۵ و ۶۴ و ۹۴-۹۹ و ۱۱۷)
۶۰. مثلا ن. ک: فلسفه، تیر ۱۳۸۸، ص ۴۲.
۶۱. در این بخش لازم است تأکید بر تمایز رویکرد کلامی (مثلا تفسیر تولستوی از آیه ۱۲ - باب هشتم یوحنا 93-95, Tolstoy, 1943) با اندیشه ویتگنشتاین نیز داشته باشیم: بعید است بتوان چنین اندیشه اصل موضوعی و تکیه بر بدیهیات را در آموزه‌های ویتگنشتاین یافت.
۶۲. در باب تأثیرپذیری ویتگنشتاین از کتاب مقدس به‌طور کلی نگاه کنید به مالکوم، ۱۳۸۳، صص ۲۱-۴۳ (گفتار: آیا ویتگنشتاین مردی دین‌دار بود؟) و فلسفه، تیر ۱۳۸۸، ص ۳۳ و Tim Labron, 2006. همچنین به‌عنوان زندگی‌نامه مختصری از او که حواشی دینی را در نظر داشته ن. ک: بخش ویتگنشتاین در دان کیوپیت، ۱۳۸۵، صص ۲۵۷-۲۷۸.
۶۳. «خدا همان معنای زندگی همان معنای جهان است.» (یادداشت‌ها، ۱۱ ژوئن و ۸ ژوئیه ۱۹۱۶ و ۱۳ گزاره، مناجات، در باب خدا)
۶۴. همچنین باید افزود ویتگنشتاین در «سخنرانی درباره اخلاق» ضمن اشاره به تعاریف جانشین ذیل چستی اخلاق؛ می‌آورد:
- «علم اخلاق، کاوش درباره معنای زندگی است یا درباره آن چیزی است که زندگی را درخور زیستن می‌کند یا در باب شیوه درست زیستن است.»؛ او در این‌جا میان دو تلقی از معنا تمایز می‌نهد: ۱- معنای عادی یا نسبی و ۲- معنای اخلاقی یا مطلق. ن. ک: ویتگنشتاین، درباره اخلاق و دین، تدوین و ترجمه حسینی و عباسی، انتشارات هرمس، ۱۳۸۸، ص ۱۵.

۶۵. چنانچه خود مالکوم می‌نویسد: «...به این معنا، دین بی‌دلیل است؛ و شیمی هم همین‌طور.» (مالکوم، ۷۹ و ۸۰، ص ۱۱۳) همچنین مالکوم متذکر شده، اصولاً ویتگنشتاین نشان داده ما در تلقی از «باور» به مثابه حالت ذهنی، تمام واقع را در نظر نگرفته‌ایم و در حقیقت گستره‌ای از سیاق معانی برای «باور» وجود دارد. (ن.ک: مالکوم، ۱۳۸۳، صص ۷۵-۸۰)

۶۶. درباب نظریه تصویر به‌مثابه عالم سخن ن.ک: درباب یقین - گزاره‌های ۲۰۹ و ۲۳۳ و ۲۶۲ همچنین درباب عالم سخن ن. ک: غلامحسین مصاحب، آنالیز ریاضی، انتشارات امیرکبیر - همچنین درباب عالم سخن / فضای منطقی در رساله ن.ک: مالکوم، ۱۳۸۳، ص ۵۴.

۶۷. چنانچه بیش از همه در ابتدای درس‌گفتارهای ۳۴-۱۹۳۳ کمبریج مشخص است (کتاب آبی)؛ همچنین ن.ک: مالکوم، ۱۳۸۳، صص ۲۶ و ۲۹.

۶۸. به همین دلیل است که برخی دچار سردرگمی شده‌اند و همزمان انسجام‌گرایی، متن‌گرایی و میناگرایی خطاپذیر را به ویتگنشتاین نسبت داده‌اند. (مثلاً ن.ک: اکبری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴) ولترستورف - در مدخل «ایمان» دایره‌المعارف راتلج - در این باب می‌نویسد: «اگر منظور از عقل، کلیت عقلانیت باشد، در آن صورت به دشواری می‌توان حتی کسی چون کرکگارد را ایمان‌گرا دانست.» (Wolterstorff, p.534 همچنین جوادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴)

۶۹. در آثار فارسی به‌ویژه نزد اساتیدی چون دکتر لگنهاوزن، علیزمانی، اکبری و دیگران.
۷۰. برای مرور دیگری بر نگاه ویتگنشتاینی دی. فیلیپس ن. ک: آلن پی. اف. سل، تاریخ فلسفه دین، ترجمه آیت‌اللهی، پژوهشگاه فرهنگ‌واندیشه اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۲، چاپ دوم ۱۳۸۷، صص ۳۶۸-۳۸۲.

۷۱. همچنین در نظریات رایج - به‌ویژه ذیل ترجمه‌ها و تفسیر ویتگنشتاین - ایرادات عمده دیگری وجود دارد که بحثی مستقل می‌طلبد:

۱- بی‌توجهی به اهمیت جستجوی معنا نزد ویتگنشتاین بالاخص متأثر از تولستوی.
۲- بی‌توجهی به نگره Lebenswelt در ساحت اندیشه آلمانی با گستره و پشتوانه وسیع از عرفان تا دیلتای و هوسرل و نهایتاً ویتگنشتاین.

۷۲. به تعبیر دیگر ایمان‌گرایی نه‌تنها صراحتاً در آموزه‌های او، و شاگردان و شارحان مستقیم‌اش وجود ندارد؛ بلکه از آنها نتیجه هم نشده به عکس شواهدی در رد آن می‌توان از اندیشه‌های ویتگنشتاین یافت.

۷۳. ویتگنشتاین پیش از هرچیز از مراد و معنا می‌پرسد و معتقد است فهمیدن شرط لازم هر اقدام دیگری است و اساساً ادعائی چون «ایمان می‌آورم تا بفهمم» بی‌معنی بوده و تنها در مراتب تشکیکی امکان‌پذیر است.

۷۴. البته اگر حمل بر خلط میان فلسفه اگزیستانسیال و سیاق بحث ویتگنشتاین نشود.

۷۵. اگرچه نیاستی فراموش کنیم تأکید خود ویتگنشتاین (در مقدمه پژوهش‌ها و...) بر آن بوده که رساله و پژوهش‌ها بایستی با یکدیگر خوانده شوند (ن.ک: ویتگنشتاین، ۱۳۸۰، ص ۲۵ (پیشگفتار) و G. Hallett, 1977 همچنین ن.ک: ارجاعات کتاب آبی به رساله)

با این وصف در درجه دوم، از دیگر شواهد مهم به سود ادعای سیر پیوسته اندیشه ویتگنشتاین مصادیقی است که همواره در طول زندگیش به آن‌ها ارجاع داده‌است، یکی از این نمونه‌ها چنانچه پرز نشان داده، «تمثیل چشم و نفس» است (ن.ک: دیوید پرز، ۱۳۸۲، صص ۱۵۴-۱۶۴) همچنین درباب آراء کسان دیگری که قائل به وحدت در سیر اندیشه ویتگنشتاین شده‌اند، مثلاً ن.ک: فسنکول، ۱۳۸۵، ص ۱؛ همچنین تیلمن، ۱۳۸۲، صص ۸-۹ و ۱۲؛ نهایتاً قابل تأمل است اگرچه کسانی چون مالکوم در «شرح احوال و آرای ویتگنشتاین» به جد معتقد است دو نظام فلسفی او اصیل و در مقابل هم می‌باشند و هرگونه تصور همراهی آن‌ها یکسره نادرست است (مالکوم، ۱۳۸۲، ص ۲۷) اما در جای دیگر براساس سیر پیوسته مفاهیم دینی / اخلاقی نزد او پیش می‌رود (ن.ک: مالکوم، ۱۳۸۳)

۷۶. ویتگنشتاین مسلماً در مرز جهان واقع و «هست»‌ها ایستاده‌است و به اشراق «باید» و رای آن شناخت دارد؛ لذا باید در پی تبیین ایمان‌گرایی نوینی نزد او در سکوت معنا دار و پویایش باشیم.

نظر او درباب هنر نیز قابل تأمل است؛ مثلاً در فرهنگ و ارزش: «دشوار بتوان در هنر چیزی بهتر از» هیچ نگفتن «گفت». (ویتگنشتاین، ۱۳۷۴، ص ۳۴۸)

۷۷. در خاتمه تذکر استاد دکتر کریم مجتهدی بسیار به جاست که «شرط، مطالعه افکار ویتگنشتاین در کلیت آنهاست». (جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹)

فهرست منابع

ویلیام پی، آلتون. (۱۳۸۰). "دشنام‌زدایی از بازی زبان دینی". ترجمه جواندل صومعه‌سرای. **نقد و نظر**، ۲۷ و ۲۸. تابستان و پاییز.

..... (۱۳۷۵). "زبان دین". ترجمه سعید عدالت نژاد. **حوزه و دانشگاه**. شماره ۸. پاییز.

صادق، آملی لاریجانی. (۱۳۷۷). "زبان دین و زبان علم ویتگنشتاین". **حوزه و دانشگاه**. شماره ۱۶ و ۱۷. پاییز و زمستان.

جی. ای. ام، آنسکوم. (۱۳۴۹). **مقدمه‌ای بر تراکتاتوس**. ترجمه همایون کاکاسلطان. تهران: نشر گام نو.

بابک، احمدی. (۱۳۸۵). **کتاب تردید**. تهران: نشر مرکز.

دان، استیور. (۱۳۸۴). "ایمان‌گرایی و فلسفه ویتگنشتاین". ترجمه و نقد ابولفضل ساجدی. **قبسات**. شماره ۳۵. بهار.

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت‌شناسی دینی منسوب به او
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

- ۸۹ رضا، اکبری. (۱۳۸۴). *ایمان‌گرایی*. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۷۸). "از بازی زبانی تا باور ایمانی از تراکتاتوس تا درباره یقین". *نامه فلسفه*. شماره ۷. پائیز
- (۱۳۸۰). "ویتگنشتاین، بازی‌های زبانی و ایمان‌گرایی". پیام صادق. شماره ۳۹. بهمن و اسفند.
- محمد، اکوان. (۱۳۸۶). "ایمان‌گرایی، خاستگاه و رویکرد آن در تفکر ویتگنشتاین". *پژوهش‌های فلسفی*. شماره ۲۰۲. دانشگاه تبریز. پائیز و زمستان.
- میرچا، ایاده. (۱۳۷۹). *دین پژوهی* (جلد ۲). ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. جلد ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رسول، برجسیان. (۱۳۸۵). «تأثیر ویتگنشتاین متأخر بر الهیات». *مجله علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان*. شماره ۴۶. پائیز.
- ریچارد، پاپکین و آروم استرول. (۱۳۸۰). *کلیات فلسفه*. ترجمه مجتبی‌وی. انتشارات حکمت. چاپ اول ۱۳۶۷.
- جان، پاسمور. (۱۳۸۲) *ویتگنشتاین و فلسفه زبان عرفی*. ذیل مجموعه: ویتگنشتاین و تشبیه نفس به چشم. ترجمه ناصر زعفرانچی. نشر هرمس. صص ۷۹-۱۵۱
- مایکل، پترسون و دیگران. (۱۳۷۶) *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. طرح نو. ششم ۱۳۸۸.
- دیوید، پرز و دیگران. (۱۳۸۲). *ویتگنشتاین و تشبیه نفس به چشم*. ترجمه ناصر زعفرانچی. تهران: نشر هرمس.
- الوین، پلانتینگا. (۱۳۸۱). *عقل و ایمان*. ترجمه بهناز صفری. دانشگاه قم و انجمن معارف اسلامی ایران.
- دیوید ای، پیلین. (۱۳۸۳). *مبانی فلسفه دین ترجمه گروه مترجمان*. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (بوستان کتاب قم).
- چارلز، تالیافرو. (۱۳۸۲). *فلسفه دین در قرن بیستم*. ترجمه انشاء... رحمتی. نشر سپهروردی.
- بی. آر، تیلمن. (۱۳۸۲). *ویتگنشتاین، اخلاق و زیبایی‌شناسی*. ترجمه بهزاد سبزی. انتشارات حکمت.
- ج، استراهان. ج. دایان نایت و ای. سدلاسک. (۱۳۸۴). *طرح پرسش‌نامه و سنجش نگرش دینی... مشهد: نشر مرنندیز*.
- جان، هایمان. "فلسفه دین ویتگنشتاین". ترجمه خلیل قنبری. *هفت آسمان*. شماره ۱. ترجمه مدخل دایره‌المعارف بلکول.
- جمعی از اندیشمندان. (۱۳۸۸). *زندگی و بس*. گردآوری کریم فیضی. انتشارات اطلاعات.

- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). **فرهنگ واژه‌ها**. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- محسن، جوادی. (۱۳۸۱). "ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی". **قبسات**. ۲۶. زمستان.
- محسن، جوادی. (۱۳۸۵). "نقد و بررسی کتاب ایمان‌گروی". **حکمت و فلسفه** ۳. پائیز.
- لاله؛ حقیقت. (۱۳۸۰). "ایمان‌گرایی ویتگنشتاین". **اندیشه دینی**. شماره ۷. دانشگاه شیراز. بهار.
- محمود، خاتمی. "ویتگنشتاین و دین". **فلسفه**. شماره ۱. دانشگاه تهران. ۱۳۷۹.
- دانالد، هادسون. (۱۳۷۸). **ویلیام، لودویگ ویتگنشتاین. ربط فلسفه او به باور دینی**. ترجمه مصطفی ملکیان. انتشارات گروس.
- جبار، رحیمیان و ناصرو. "بررسی تطبیقی برخی از مسائل مرتبط با ایمان از دیدگاه مولانا و کرکارد". **فلسفه دین**. سال ۶. شماره ۲: صص ۵۹-۸۳. سال ۱۳۸۸.
- عطیه، زندیه. (۱۳۸۶). **دین و باور دینی در اندیشه ویتگنشتاین**. نشر نگاه معاصر.
- بارت، سیرل. (۱۳۷۴). "خدا در فلسفه ویتگنشتاین متقدم". ترجمه هدایت علوی تبار. **ارغنون**، ۷ و ۸. پائیز و زمستان.
- ولی ا.....، عباسی. (۱۳۸۲). "فدئیسیم، نگاهی به ایمان‌گرایی افراطی و اعتدالی". **معرفت**. شماره ۶۷.
- امیرعباس، علیزمانی. (۱۳۸۷). **سخن گفتن از خدا**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول ۱۳۸۶.
- ویلهلم، فسنگول. (۱۳۸۵). **گفتنی‌ها، ناگفتنی‌ها**. ترجمه مالک حسینی. تهران: نشر هرمس.
- محمدتقی، فعالی. (۱۳۷۹). **درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر**. تهران: نشر معارف.
- محمدتقی، فعالی. (۱۳۸۵). **تجربه دینی و مکاتشفه عرفانی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فلسفه (کتاب ماه) (۱۳۸۸). **ویژه نامه ۱. ویتگنشتاین**. سال ۲. شماره ۲۲. خانه کتاب ایران.
- دی‌زد، فیلیپس. (۱۳۸۲). "دین در آینه ویتگنشتاین". ترجمه مصطفی ملکیان. **هفت آسمان**. ش ۱۸.
- "وجود متعالی". ترجمه عطیه زندیه. **پژوهشنامه متین**. شماره‌های ۲۳ و ۲۴.
- فردریک، کاپلستون. (۱۳۸۴). **فلسفه معاصر**. ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: انتشارات زوار.
- محمدرضا، کاشفی. (۱۳۸۰). **فرهنگ و مسیحیت در غرب**. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- دان، کیویت. (۱۳۸۵). **دریای ایمان**. ترجمه حسن کامشاد. انتشارات طرح نو. چاپ اول ۱۳۷۸.
- محمد، لگنهاوزن. "گناه ایمان‌گرایی ویتگنشتاین". ترجمه سید محمود موسوی. **نقد و نظر**. سال ۷. ۱۳۷۹ ش ۲ و ۱.
- نورمن، مالکوم. (۱۳۸۳). **دیدگاه دینی ویتگنشتاین**. ترجمه آخوند زاهد. تهران: نشر گام نو.
- (۱۳۸۲). "شرح احوال و آرای ویتگنشتاین". ذیل مجموعه: **ویتگنشتاین و تشبیه نفس به چشم**. ترجمه ناصر زعفرانچی. نشر هرمس. صص ۱-۴۲.
- (۱۳۷۹). "بی‌دلیلی باور". ترجمه احمدرضا جلیلی. **نقد و نظر**. سال ۷. شماره ۱ و ۲.

آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟ نگاهی مجدد به معرفت شناسی دینی منسوب به او
(Is Wittgenstein a Believing Person? A Second Look at the . . .)

محمد، محمدرضائی و مصطفی حسینی گلکار. (۱۳۸۹). "آیا معقولیت برهان است؟". *فصلنامه حکمت و فلسفه*. شماره ۲۲.

فتح ا.، مجتبائی. (۱۳۸۲). "مصاحبه با هفت آسمان". *هفت آسمان*. ش ۱۸. تابستان.
آلیستر مک، گرات. (۱۳۸۴). *درسنامه الهیات مسیحی (ج ۱)*. ترجمه بهروز حدادی. قم: مرکز مطالعات ادیان.

مصطفی، ملکیان. (۱۳۷۹). *تاریخ فلسفه غرب (درس گفتارها)*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم. ویراسته سعید عدالت نژاد. آبان.

..... (۱۳۷۴). *معرفت دینی و فدائیسیم (درس گفتارها)*. قم: پژوهشکده حوزه قم.
محمدحسین، مهدوی نژاد. (۱۳۸۴). "ویتگنشتاین: معنا، کاربرد و باور دینی". *نامه حکمت*. شماره ۵. بهار و تابستان.

لودویک، ویتگنشتاین. (۱۳۸۵). *یادداشت‌ها ۱۹۱۴-۱۹۱۶*. ترجمه موسی دیباج. تهران: نشر سعاد.
..... (۱۳۶۹). *رساله منطقی، فلسفی*. ترجمه محمود عبادیان. جهاددانشگاهی.
..... (۱۳۷۱). *رساله منطقی، فلسفی*. ترجمه شمس‌الدین ادیب سلطانی. انتشارات امیرکبیر.

..... (۱۳۷۹). *در باب یقین (دی.ی.)*. ترجمه مالک حسینی. نشر هرمس.
..... (۱۳۸۰). *پژوهش‌های فلسفی*. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
..... (۱۳۷۸). *در باره رنگ‌ها*. ترجمه لیلی گلستان. تهران: نشر مرکز.
..... (۱۳۸۰). *فرهنگ و ارزش*. ترجمه امید مهرگان. تهران: گام نو.
..... (۱۳۸۵). *کتاب آبی (درس‌های ۳۴-۱۹۳۳)*. ترجمه مالک حسینی. نشر هرمس.
..... (۱۳۷۴). "تأملاتی در باب فرهنگ و هنر و ادبیات". ترجمه حسین پاینده. ذیل *ارغنون شماره‌های ۷ و ۸ پائیز و زمستان*. صص ۳۴۱-۳۵۵.

جان، هیک. (۱۳۸۶). *مباحث پلورالیسم دینی*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. چاپ اول: تیبیان ۱۳۷۸. تهران: نشر علم.

Austin, W. H. (1976) *The Relevance of Natural Science to Theology*. N.Y. Macmillan.

Chomsky. Noam. (1972). *Language and Mind* (L&M), (N.Y., Brace Jovanovich).

G. Hallett. (1977). *A Companion to Wittgenstein's Philosophical Investigations*. (Ithaca and London, Cornell University Press)..

G. Stern & Hans Sluga. (1996) *The Cambridge Companion to Wittgenstein*, University Press.

- Kenny, A., (1992) *What Is Faith?*, Oxford: Oxford University Press.
- Nielson. Kai. (1967) "Wittgenstein Fideism". in *Philosophy*. Vol42. No161. p.p. 191-209.
- Norman Malcolm. (1994) "The Groundlessness of Belief". in *Philosophy of Religion*, edit. Louis Pojman. (California, 1994) Or in *Reason and Religion*, edit. Stuart C. Brown. (Royal Institute of Philosophy, 1977).
- Penelhum, T., (1997) "Fideism", in A.C.P.R.
- Plantinga, A. and Wolterstorff, N. (eds) (1983) *Faith and Rationality*, Notre Dame, IN: Notre Dame University Press. (The articles by Alston, Plantinga and Wolterstorff 'Reformed epistemology').
- Popkin, Richard, (1972) "Fideism". in Paul Edwards. *The Encyclopedia of Philosophy*. Vol3.
- Rush Rhees (e). (1984) *Ludwig Wittgenstein*. Personal Recollections. Oxford, University Press.
- Swinburne. Richard. (1984) *Faith and Reason*. Oxford: Oxford University Press. (1984).
- Tim Labron. (2006). *Wittgenstein's Religious Point of View*. Continuum International.
- Tolstoy. (1943) *THE GOSPEL IN BRIEF*, Count Tolstoy's Works, Stewart Henry Burnham, Cornell University Library.
- Wolterstorff, N. P., "Faith", in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, V.3 Ver. 1.0, London: Routledge.
- Wittgenstein, L.J.J., (PI) (1953) *Philosophical Investigations*. ed. G.E.M. Anscombe and R. Rhees, trans. G.E.M. Anscombe, Oxford: Blackwell.

علاوه بر ترجمه آقای فریدون فاطمی؛ چنانچه در میان دانشگاهیان نقل است سال هاست دو ترجمه انتشار نیافته دیگر هم متعلق به آقایان ۱- استاد مصطفی ملکیان و ۲- دکتر موسی دیباج از پژوهش‌ها صورت گرفته است.

- Wittgenstein, L.J.J. (1956) *Remarks on the Foundations of Mathematics*. ed. G.H. von Wright, R. Rhees and G.E.M. Anscombe. trans. G.E.M. Anscombe, Oxford: Blackwell, 3rd edn., 1978. (Selections from Wittgenstein's notebooks and manuscripts from 1937 to 1944).
- Wittgenstein. L.J.J., (B&B) (1958) *The Blue and Brown Books*. Oxford: Blackwell. (These were dictated to his pupils in 1933-5 in English.)

Wittgenstein. L.J.J., (NB) (1961) *Notebooks* 1914-16, ed. G.H. von Wright and G.E.M. Anscombe. trans. G.E.M. Anscombe. Oxford: Blackwell.

Wittgenstein. L.J.J., (Z) (1967) *Zettel*. ed. G.E.M. Anscombe and G.H. von Wright, trans. G.E.M. Anscombe. Oxford: Blackwell. (A selection, made by Wittgenstein himself, of remarks that he wrote mainly between 1945 and 1948)

Wittgenstein. L.J.J., (OC) (1969) *On Certainty*. ed. G.E.M. Anscombe and G.H. von Wright, trans. D. Paul and G.E.M. Anscombe. Oxford: Blackwell.

Wittgenstein, L.J.J. (1974) *Philosophical Grammar*. ed. R. Rhees, trans. A. Kenny. Oxford: Blackwell. (Written in 1931-4)

Wittgenstein, L.J.J. (1975) *Philosophical Remarks*. ed. R. Rhees, trans. R. Hargreaves and R. White. Oxford: Blackwell. (Written in 1929-30)

Wittgenstein, L.J.J. (1977a) *Remarks on Colour*. ed. G.E.M. Anscombe, trans. L.L. McAlister and M. Schättle, Oxford: Blackwell. (from the writings of 1950-1.)

Wittgenstein. L.J.J. (CV) (1977b) *Vermischte Bemerkungen*. Suhrkamp Verlag: Frankfurt am Main; trans. P. Winch, ed. G.H. von Wright and H. Nyman. Culture and Value. Oxford: Blackwell. 1980. (from 1914 to 1951.)

Wittgenstein. L.J.J. (1980) *Remarks on the Philosophy of Psychology*. vols 1 and 2, ed. G.E.M. Anscombe and G.H. von Wright. trans. G.E.M. Anscombe. Oxford: Blackwell.

Wittgenstein. L.J.J. (1982; 1992) *Last Writings on the Philosophy of Psychology*, ed. G.E.M. Anscombe. G.H. von Wright and H. Nyman, trans. C.G. Luckhardt and M.A.E. Aue. Oxford: Blackwell. 2 vols. (Writings from 1948-9. for Part II of the Philosophical Investigations.)

Wittgenstein. L.J.J. (LC) (1984) *Lectures and Conversations on Aesthetics*, Psychology and Religious Belief. ed. Cyrill Barrett. (Basil Blackwell).

از این اثر که به «درس گفتارها» شهرت یافته، براساس گزارش خانه کتاب ترجمه ذیل در دسترس است:

درس گفتارهای زیبایی‌شناسی. ترجمه امید مهرگان. گسترش هنر. ۱۳۸۱.

و نقد این ترجمه: بابک عباسی. "رمزگشایی بی‌حاصل، نقدی بر ترجمه درس گفتارهای ویتگنشتاین".

مدرسه. ش ۲. پائیز ۱۳۸۴.

نیز ترجمه بخش‌هایی اثر با عنوان "درس گفتارهایی درباره باور دینی" ذیل: **لودویگ ویتگنشتاین**.

درباره اخلاق و دین. مالک حسینی و بابک عباسی. هرمس. اول ۱۳۸۸. صص ۶۹-۱۰۴ و گزارش

اجمالی استفاده شده در مقاله حاضر از: دی. زد. فیلیپس، "دین در آینه ویتگنشتاین". ترجمه مصطفی ملکیان، *هفت آسمان*. ش ۱۸. تابستان ۱۳۸۲.

Wittgenstein. L.J.J. (1993) *Philosophical Occasions*, ed. J.C. Klagge and A. Nordmann. Indianapolis. IN: Hackett. (Usefully anthologizes several short pieces, including the 'Lecture on Ethics' (1929) and 'Remarks on Frazer's Golden Bough' (1931).

Wittgenstein. L.J.J. (1994) *A Lecture On Religious Belief*. in Philosophy of Religion. edit. Louis Pojman. (California. 1994).